

بِسْمِ اللّٰهِ  
الرَّحْمٰنِ  
الرَّحِیْمِ

# قانون یار آئین دادرسی مدنی

مؤلف: صابر خلیل نژاد کیاسری

انتشارات چتر دانش



- سرشناسه
- عنوان قراردادی
- عنوان و نام پدیدآور

- مشخصات نشر
- مشخصات ظاهری
- شابک
- یادداشت
- یادداشت
- یادداشت

● عنوان روی جلد

- موضوع
- موضوع
- موضوع
- شناسه افزوده
- رده بندی کنگره
- رده بندی دیویی
- شماره کتابشناسی ملی



● نام کتاب

- ناشر
- مؤلف
- نوبت و سال چاپ
- شمارگان
- شابک
- قیمت

خلیل نژاد کیاسری، صابر، ۱۳۶۸-  
ایران. قوانین و احکام  
قانون یار آیین دادرسی مدنی/مؤلف صابر خلیل نژاد کیاسری؛  
به سفارش موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش  
تهران: چتر دانش، ۱۳۹۴.  
۷۲۲ ص.  
۹۷۸-۶۰۰-۷۳۱۶-۴۸-۱

چاپ دوازدهم.  
چاپ قبلی: چتر دانش، ۱۳۹۳ (۵۹۶ ص.).  
عنوان روی جلد: قانون یار آیین دادرسی مدنی: ارائه  
مواد قانونی و نکات مهم مربوطه، تست‌های برگزیده  
از آزمون‌های حقوقی تا سال ۹۲، ...  
قانون یار آیین دادرسی مدنی: ارائه مواد قانونی و نکات  
مهم مربوطه، تست‌های برگزیده از آزمون‌های حقوقی  
تا سال ۹۲، ...

آیین دادرسی مدنی -- ایران -- راهنمای آموزشی (عالی)  
آیین دادرسی مدنی -- ایران -- آزمون‌ها و تمرین‌ها (عالی)  
دانشگاه‌ها و مدارس عالی -- ایران -- آزمون‌ها  
موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش  
۱۳۹۴ ق ۸/خ/۱۷۱۰ KMH  
۳۴۷/۵۵  
۳۸۶۴۰۸۷

قانون یار آیین دادرسی مدنی - به سفارش موسسه آموزش  
عالی آزاد چتر دانش  
چتر دانش  
صابر خلیل نژاد کیاسری  
سی و هفتم - ۱۴۰۲  
۲۰۰۰  
۹۷۸-۶۰۰-۷۳۱۶-۴۸-۱  
۳۹۵۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خم‌نیری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.





## سخن ناشر

رشته حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند. این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آن‌ها از یک سو و تناسب آن‌ها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

**مؤسسه آموزش عالی آزاد چتردانش**، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه علمی بیش از پیش به منصه‌ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش



# فهرست

## قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ ..... ۹

### کلیات ..... ۹

### باب اول: در صلاحیت دادگاهها ..... ۲۱

فصل اول: در صلاحیت ذاتی و نسبی دادگاهها ..... ۲۱

فصل دوم: اختلاف در صلاحیت و ترتیب حل آن ..... ۵۰

### باب دوم: وکالت در دعاوی ..... ۶۰

### باب سوم: دادرسی نخستین ..... ۸۱

فصل اول: دادخواست ..... ۸۱

مبحث اول: تقدیم دادخواست ..... ۸۱

مبحث دوم: شرایط دادخواست ..... ۸۳

مبحث سوم: موارد توقیف دادخواست ..... ۸۷

مبحث چهارم: پیوست‌های دادخواست ..... ۹۶

فصل دوم: بهای خواسته ..... ۹۸

فصل سوم: جریان دادخواست تا جلسه رسیدگی ..... ۱۰۸

مبحث اول: جریان دادخواست ..... ۱۰۸

مبحث دوم: ابلاغ ..... ۱۱۲

مبحث سوم: ایرادات و موانع رسیدگی ..... ۱۳۳

فصل چهارم: جلسه دادرسی ..... ۱۵۹

فصل پنجم: توقیف دادرسی و استرداد دعوا و دادخواست ..... ۱۸۰

فصل ششم: امور اتفاقی ..... ۱۹۴

مبحث اول: تأمین خواسته ..... ۱۹۴

۱- درخواست تأمین ..... ۱۹۴

۲- اقسام تأمین ..... ۲۱۷

مبحث دوم: ورود شخص ثالث ..... ۲۲۶

مبحث سوم: جلب شخص ثالث ..... ۲۳۳

مبحث چهارم: دعاوی متقابل ..... ۲۳۹

مبحث پنجم: اخذ تأمین از اتباع دولت‌های خارجی ..... ۲۴۸

۲۵۲	فصل هفتم: تأمین دلیل و اظهارنامه
۲۵۳	مبحث اول: تأمین دلیل
۲۵۷	مبحث دوم: اظهارنامه
۲۵۹	فصل هشتم: دعاوی تصرف عدوانی، ممانعت از حق و مزاحمت
۲۸۲	فصل نهم: سازش و درخواست آن
۲۸۲	مبحث اول: سازش
۲۹۰	مبحث دوم: درخواست سازش
۲۹۳	فصل دهم: رسیدگی به دلایل
۲۹۳	مبحث اول: کلیات
۲۹۹	مبحث دوم: اقرار
۳۰۵	مبحث سوم: اسناد
۳۰۵	الف- مواد عمومی
۳۱۴	ب- انکار و تردید
۳۱۸	ج- ادعای جعلیت
۳۲۵	د- رسیدگی به صحت و اصالت سند
۳۳۴	مبحث چهارم: گواهی
۳۴۶	مبحث پنجم: معاینه محل و تحقیق محلی
۳۵۴	مبحث ششم: رجوع به کارشناس
۳۶۸	مبحث هفتم: سوگند
۳۸۲	مبحث هشتم: نیابت قضایی
۳۸۵	فصل یازدهم: رأی
۳۸۵	مبحث اول: صدور و انشای رأی
۳۹۴	مبحث دوم: ابلاغ رأی
۳۹۵	مبحث سوم: حکم حضوری و غیابی
۳۹۹	مبحث چهارم: واخواهی
۴۰۸	مبحث پنجم: تصحیح رأی
۴۱۰	مبحث ششم: دادرسی فوری

## باب چهارم: تجدیدنظر ..... ۴۳۳

- فصل اول: احکام و قرارهای قابل نقض و تجدیدنظر ..... ۴۳۳
- فصل دوم: آرای قابل تجدیدنظر ..... ۴۳۳
- فصل سوم: مهلت تجدیدنظر ..... ۴۴۴
- فصل چهارم: دادخواست و مقدمات رسیدگی ..... ۴۴۷
- فصل پنجم: جهات تجدیدنظر ..... ۴۵۷

## باب پنجم: فرجام خواهی ..... ۴۷۵

- فصل اول: فرجام خواهی در امور مدنی ..... ۴۷۵
- مبحث اول: فرجام خواهی و آرای قابل فرجام ..... ۴۷۵
- مبحث دوم: موارد نقض ..... ۴۸۲
- مبحث سوم: ترتیب فرجام خواهی ..... ۴۸۷
- مبحث چهارم: ترتیب رسیدگی ..... ۴۹۶
- مبحث پنجم: مهلت فرجام خواهی ..... ۴۹۹
- مبحث ششم: اقدامات پس از نقض ..... ۵۰۲
- مبحث هفتم: فرجام تبعی ..... ۵۱۳
- فصل دوم: اعتراض شخص ثالث ..... ۵۱۴
- فصل سوم: اعاده دادرسی ..... ۵۳۲
- مبحث اول: جهات اعاده دادرسی ..... ۵۳۲
- مبحث دوم: مهلت درخواست اعاده دادرسی ..... ۵۳۸
- مبحث سوم: ترتیب درخواست اعاده دادرسی و رسیدگی ..... ۵۴۲

## باب ششم: مواعد ..... ۵۵۴

- فصل اول: تعیین و حساب مواعد ..... ۵۵۴
- فصل دوم: دادن مهلت و تجدید موعد ..... ۵۵۸

## باب هفتم: داوری ..... ۵۶۰

## باب هشتم: هزینه دادرسی و اعسار ..... ۵۹۹

- فصل اول: هزینه دادرسی ..... ۵۹۹
- فصل دوم: اعسار از هزینه دادرسی ..... ۶۰۱

## باب نهم: مطالبه خسارت و اجبار به انجام تعهد ..... ۶۱۰

۶۱۰	فصل اول: کلیات.....
۶۱۲	فصل دوم: خسارات.....
۶۱۳	فصل سوم: مستثنیات دین.....
۶۱۶	سایر مقررات.....

## قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ ..... ۶۱۷

۶۱۷	فصل اول: قواعد عمومی.....
۶۱۷	مبحث اول: مقدمات اجرا.....
۶۲۳	مبحث دوم: دادورزها (مأمورین اجرا).....
۶۲۴	مبحث سوم: ترتیب اجرا.....
۶۳۳	فصل دوم: توقیف اموال.....
۶۳۳	مبحث اول: مقررات عمومی.....
۶۳۶	مبحث دوم: در توقیف اموال منقول.....
۶۴۱	مبحث سوم: صورت برداری از اموال منقول.....
۶۴۲	مبحث چهارم: ارزیابی اموال منقول.....
۶۴۳	مبحث پنجم: حفظ اموال منقول توقیف شده.....
۶۴۵	مبحث ششم: توقیف اموال منقول محکوم علیه که نزد شخص ثالث است.....
۶۴۷	مبحث هفتم: توقیف حقوق مستخدمین.....
۶۴۷	مبحث هشتم: توقیف اموال غیرمنقول.....
۶۵۰	مبحث نهم: صورت برداری اموال غیرمنقول.....
۶۵۱	مبحث دهم: ارزیابی و حفظ اموال غیرمنقول.....
۶۵۱	فصل سوم: فروش اموال توقیف شده.....
۶۵۱	مبحث اول: فروش اموال منقول.....
۶۵۵	مبحث دوم: فروش اموال غیرمنقول.....
۶۵۶	فصل پنجم: اعتراض شخص ثالث.....
۶۵۸	فصل ششم: حق تقدم.....
۶۵۹	فصل هفتم: تأدیه طلب.....

۶۶۰ ..... فصل هشتم: هزینه‌های اجرایی

۶۶۲ ..... فصل نهم: احکام و اسناد لازم‌الاجرای کشورهای خارجی

۶۶۵ ..... قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴

۶۷۸ ..... آیین نامه اجرایی قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۵

۶۸۵ ..... بخشنامه یکنواخت‌سازی اخذ هزینه دادرسی مصوب ۱۳۹۶

۶۸۷ ..... سؤالات آزمون ارشد سراسری ۱۳۹۹

۶۹۱ ..... پاسخنامه سؤالات آزمون ارشد سراسری ۱۳۹۹

۶۹۴ ..... سؤالات آزمون ارشد سراسری ۱۴۰۰

۶۹۸ ..... پاسخنامه سؤالات آزمون ارشد سراسری ۱۴۰۰

۶۹۹ ..... سؤالات آزمون وکالت قوه قضاییه ۱۴۰۰

۷۰۴ ..... پاسخنامه سؤالات آزمون وکالت قوه قضاییه ۱۴۰۰

۷۰۵ ..... سؤالات آزمون وکالت ۱۴۰۰

۷۱۱ ..... پاسخنامه سؤالات آزمون وکالت ۱۴۰۰

۷۱۲ ..... سؤالات آزمون ارشد سراسری ۱۴۰۱

۷۱۶ ..... پاسخنامه سؤالات آزمون ارشد سراسری ۱۴۰۱

۷۱۷ ..... سؤالات آزمون وکالت قوه قضاییه ۱۴۰۱

۷۲۲ ..... پاسخنامه سؤالات آزمون وکالت قوه قضاییه ۱۴۰۱



## قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی

مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱

### کلیات

**ماده ۱-** آیین دادرسی مدنی، مجموعه اصول و مقرراتی است که در مقام رسیدگی به امور حسبی و کلیه دعاوی مدنی و بازرگانی در دادگاه‌های عمومی، انقلاب، تجدیدنظر، دیوان عالی کشور و سایر مراجعی که به موجب قانون موظف به رعایت آن می‌باشند به کار می‌رود.

**نکته ۱:** قواعد آیین دادرسی مدنی کلیت دارد و هر جا (مانند دادرسی اداری و امور حسبی) قواعد خاص نباشد، از آن استفاده می‌شود.

**نکته ۲:** آیین دادرسی مدنی نه تنها در دعاوی حقوقی، بلکه در طرح، دفاع و رسیدگی به جنبه حقوقی امور کیفری نیز علی‌الاصول، باید رعایت شود. در این رابطه استثنائاتی نیز وجود دارد مانند: محکومیت به پرداخت دیه در حق ولی دم، که به هر حال جنبه مدنی دارد و در جرایمی مانند سرقت (ماده ۶۶۷ ق.م.ا.مصوب ۱۳۷۵) تصرف عدوانی (۶۹۰ ق.م.ا.مصوب ۱۳۷۵) و... دادگاه ضمن صدور حکم باید در هر حال نسبت به استرداد اموال ناشی از جرم نیز رسیدگی و حکم صادر کند. متضرر از جرم نیازی به تقدیم دادخواست در پرونده کیفری ندارد.

**نکته ۳:** مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم، جز در موارد مذکور در فوق، با رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی می‌باشد.

**نکته ۴:** رسیدگی به دعاوی بازرگانی نیز در صلاحیت دادگاه‌های عمومی و در شمول قانون آیین دادرسی مدنی قرار دارد.

**نکته ۵:** رسیدگی به امور حسبی: باتوجه به مقررات خاص خود می‌باشد (قانون امور حسبی) مگر در موارد سکوت که به قانون آیین دادرسی مدنی به‌عنوان قانون عام رجوع می‌شود و همچنین در صورتی که بین قانون آیین دادرسی مدنی با قانون امور حسبی تعارض وجود داشته باشد، قانون آیین دادرسی در آن موضوع به‌عنوان آخرین اراده قانونگذار محل اجرا خواهد بود.

✍

۱- رسیدگی به دعاوی بازرگانی، در حال حاضر، در دادگاه‌های ..... برابر ..... به عمل می‌آید. جز در مواردی که ترتیب فاصی تعیین شده باشد.

(ارشد سراسری ۱۳۸۴)

الف) تجاری - قانون تجارت  
ب) عمومی - قانون تجارت

ج) تجاری - قانون آیین دادرسی مدنی  
د) عمومی - قانون آیین دادرسی مدنی

۲- مطابق قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، «آیین دادرسی مدنی مجموعه اصول و مقرراتی است که در مقام رسیدگی به ..... توسط مراجع قضایی به کار گرفته می‌شود.»

(مشاوران حقوقی ۱۳۸۵)

الف) امور حسبی ب) دعاوی مدنی ج) دعاوی بازرگانی د) همه موارد فوق

۳- در مقررات فعلی ایران، ایراد مرور زمان به استناد قانون آیین دادرسی مدنی شنیده ..... و به استناد قانون تجارت شنیده .....

(ارشد سراسری ۱۳۸۹)

الف) نمی‌شود - نمی‌شود. ب) می‌شود - نمی‌شود.

ج) نمی‌شود - می‌شود. د) می‌شود - می‌شود.

۴- مرجع رسیدگی به دعاوی تجاری، دادگاه‌های ..... است و آیین رسیدگی به آن‌ها، علی‌القاعده، برابر قانون ..... انجام می‌شود.

(ارشد سراسری ۱۳۹۳)

الف) تجاری - آیین دادرسی تجاری ب) عمومی - آیین دادرسی تجاری

ج) تجاری - آیین دادرسی مدنی د) عمومی - آیین دادرسی مدنی

#### پاسخنامه

۱ د ۲ د ۳ ج ۴ د

**ماده ۲ -** هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی کند مگر اینکه شخص یا اشخاص ذی‌نفع یا وکیل یا قائم‌مقام یا نماینده قانونی آنان، رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند.

**نکته ۱:** رسیدگی در دادگاه‌ها منوط به درخواست ذی‌نفع یا قائم‌مقام یا نماینده قانونی یا وکیل است و رسیدگی برابر قانون خواهد بود.

**نکته ۲:** ذی‌نفع بودن مدعی بدین معنا است، که در صورت حاکم شدن در دعوا برای او سودی اعم از مادی یا معنوی وجود داشته باشد.

**نکته ۳:** وجود نفع برای خواهان، توجیه‌کننده اقامه دعوا است.

**نکته ۴:** در صورتی که خواهان در دعوی مطروحه ذی نفع نباشد، دادگاه قرار رد دعوا را صادر می‌کند.

**نکته ۵:** ذی‌نفع بودن با ذی‌حق بودن تفاوت دارد. شخص ذی‌حق، ذی‌نفع شمرده می‌شود اما هر ذی‌نفعی، ذی‌حق شمرده نمی‌شود ← در صورت ذی‌حق نبودن خواهان، معمولاً حکم به بی‌حقی

صادر می‌شود.

**نکته ۶:** نفع دارای ویژگی‌هایی است که در صورت احراز آن دادگاه می‌تواند، با وجود سایر شرایط،

وارد ماهیت دعوا شود: ۱- نفع باید حقوقی و مشروع باشد (مورد حمایت قانونگذار باشد).

۲- نفع باید به وجود آمده و باقی باشد (بنابراین نفعی که برای خواهان منوط به وجود شرط یا معلق به وقوع امری باشد، خواهان را ذی‌نفع نمی‌کند).

← در این مورد یک استثنا وجود دارد ← این استثنا ماده ۱۱۴ قانون آیین دادرسی مدنی می‌باشد که صدور قرار تأمین خواسته نسبت به طلب یا مال معینی که هنوز موعد تسلیم آن نرسیده، تحت شرایطی پذیرفته می‌شود.

۳- نفع باید شخصی و مستقیم باشد (که در صورت احراز، حق اصلی مورد ادعا، نصیب او شود).

**نکته ۷:** هرگاه شخصی به‌عنوان نماینده در دادگاه اقدام می‌نماید از یک سو دادگاه باید به دلیل نمایندگی وی توجه کند و از سوی دیگر نمایندگی را اگر محرز تشخیص داد، از انواعی باشد که قانون برای اقامه دعوا تجویز نموده است.

**نکته ۸:** کسی که به‌عنوان نماینده اقدام می‌کند، (از قبیل وکالت، ولایت یا قیمومت) در صورتی که سمت وی محرز نباشد ← دادگاه قرار رد دعوی را صادر می‌کند.

**نکته ۹:** هرگاه شخص حقیقی به نمایندگی از جانب شخص حقوقی طرح دعوی نماید و سمت او محرز نباشد و دفتر بدون توجه به نقض دادخواست، وقت دادرسی تعیین نماید و دادگاه در جلسه دادرسی با این ایراد روبه‌رو شود ← دادگاه قرار رد دعوا را به علت عدم احراز سمت صادر خواهد کرد.

**نکته ۱۰:** برای اقامه دعوا ۳ شرط لازم است: ۱- ذی‌نفع بودن مدعی ۲- محرز بودن سمت از حیث اصالت یا نمایندگی ۳- داشتن اهلیت (البته شرایط دیگر مانند اقامه دعوا در موعد قانونی و عدم اعتبار امر قضاوت شده در آن دعوا نیز وجود دارند).

**نکته ۱۱:** منجز بودن حق از شرایط اقامه دعوا نیست بلکه، از شرایط پیروزی در دعوا می‌باشد (البته برخی این شرط را از شرایط اقامه دعوا می‌دانند).

**نکته ۱۲:** برخی معتقدند که تقدیم دادخواست از جمله شرایط اقامه دعواست (دکتر سید جلال‌الدین مدنی) اما دکتر شمس معتقد است، تقدیم دادخواست از شرایط اقامه دعوا نیست بلکه از شرایط لازم برای شروع رسیدگی دادگاه و بررسی وجود یا عدم وجود شرایط اقامه دعوا است.

**نکته ۱۳:** در مواردی که رسیدگی به ادعا را خود خواهان، درخواست نموده باشد و شخص حقیقی باشد (شخص حقیقی اصیل) مفهوم سمت در ذی‌نفع بودن مستغرق می‌باشد به نحوی که با احراز ذی‌نفعی نیازی به احراز سمت نیست.

**نکته ۱۴:** تکلیف دادگاه در رسیدگی به وجود یا عدم وجود سمت، زمانی به وجود می‌آید که درخواست را شخص حقیقی اصیل، مطرح نکرده باشد.



### ۱- دادگاه در صورتی به دعوای مقوقی رسیدگی می‌نماید که:

- (الف) ذی‌حق، دادخواست تنظیم نموده باشد. (ب) به وجود حق، علم داشته باشد.  
 (ج) حق مستند به سند رسمی باشد. (د) حق مستند به دلایل مصرح در قانون باشد.

### ۲- هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی کند:

- (الف) مگر اینکه خواهان یا وکیل یا قائم‌مقام یا نماینده قانونی وی رسیدگی به دعوا را با رعایت قانون خواسته باشد.  
 (ب) مگر اینکه، خواهان یا فردی ذی‌سمت از سوی او با رعایت موازین مقررات جاری، اقامه دعوا نموده باشد.  
 (ج) مگر اینکه، شخص یا اشخاصی ذی‌نفع یا وکیل یا قائم‌مقام یا نماینده قانونی آنان رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست کرده باشند.  
 (د) مگر اینکه، شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی یا ذی‌سمت قانونی، از سوی آنان با رعایت کلیه موازین و مقررات جاری دادخواست کامل داده باشند.

### ۳- نمایندگی پدر از فرزند صغیر، نمایندگی ..... و نمایندگی امین عاجز از او، نمایندگی

..... است. (ارشد سراسری ۱۳۸۳)

- (الف) قضایی - قانونی (ب) قضایی - انتخابی (ج) قانونی - قضایی (د) قانونی - انتخابی

#### پاسخنامه

- ۱ الف ۲ ج ۳ ج

**ماده ۳-** قضات دادگاه‌ها موظفاند موافق قوانین به دعوای رسیدگی کرده، حکم مقتضی صادر و یا فصل خصومت نمایند. در صورتی‌که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه، وجود نداشته باشد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد، حکم قضیه را صادر نمایند و نمی‌توانند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزند و الاً مستنکف از احقاق حق شناخته شده و به مجازات آن محکوم خواهند شد.  
**تبصره-** چنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون را خلاف شرع بداند، پرونده به شعبه دیگری جهت رسیدگی ارجاع خواهد شد.

**نکته ۱:** قضات دادگاه‌ها موظف‌اند، طبق قانون و با رعایت تشریفات قانونی به دعوای رسیدگی کنند،

تخلف از این مورد، موجب فسخ یا نقض رأی در مراجع عالی خواهد بود.

**نکته ۲:** اگر دادگاه دعوای مطروحه را قطع و فصل نکند، حکم صادره برخلاف ماده ۳ ق.آ.د.م بوده

و نقض خواهد شد.

**نکته ۳:** برای اینکه قاضی بتواند به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر یا اصول حقوقی مراجعه

کند، یکی از شرایط زیر لازم است: ۱- قانون کامل نباشد. ۲- قانون موضوعه، صریح نباشد.

۳- در خصوص موضوع، دو قانون متعارض وجود داشته باشد. ۴- در قضیه مطروحه اصلاً قانونی

وجود نداشته باشد.

**نکته ۴:** مجازات قاضی مستنکف از احقاق حق ← برای بار اول شش ماه تا یک سال انفصال و

در صورت تکرار انفصال دائم از شغل قضایی است. (م. ۵۹۷ ق. م. ا. مصوب ۱۳۷۵ (بخش تعزیرات))

**نکته ۵:** چنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون را خلاف شرع بداند با صدور قرار امتناع از رسیدگی

پرونده را به شعب دیگری ارجاع می‌دهد (در این مورد مجازات مقرر (ماده ۵۹۷ ق. م. ا. مصوب

۱۳۷۵ بخش تعزیرات) در مورد وی اجرا نخواهد شد. زیرا در این مورد مستنکف شناخته نمی‌شود.

**نکته ۶:** موارد ردّ دادرسی که در ماده ۹۱ ق. آ. د. م. ذکر شده است، استثناء بر تکلیف دادرسی برای

رسیدگی به دعوا است.



#### ۱- قانونی بودن دادرسی یعنی:

(رکترای اعزامی به قارج ۱۳۷۶)

(الف) صلاحیت محاکم را قانون تعیین می‌کند و قاضی باید طبق قانون حکم صادر کند.

(ب) صلاحیت محاکم را رئیس قوه قضائیه تعیین می‌کند و قاضی می‌تواند با توجه به منابع فقهی حکم صادر کند.

(ج) صلاحیت محاکم را فقیه جامع‌الشرایط تعیین می‌کند و قاضی باید براساس نظر او، حکم صادر کند.

(د) قاضی محاکم براساس متون فقهی و منابع معتبر و فتاوی مشهور باید حکم صادر کند.

#### ۲- قضات دادگاه در وهله اول موظفند موافق ..... به دعوی رسیدگی کنند. (فتاوت ۱۳۸۰)

(الف) قوانین (ب) منابع معتبر فقهی

(ج) فتاوی معتبر (د) رویه قضایی

#### ۳- چنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون را مخالف شرع بباید:

(ارشر آزار ۱۳۸۰، فتاوت ۱۳۸۰)

(الف) باید براساس اجتهاد خود رأی صادر نماید و رأی قطعی است.

(ب) پرونده به شعبه دیگری، جهت رسیدگی ارجاع خواهد شد.

(ج) باید براساس اجتهاد خود رأی صادر نماید و رأی قابل تجدیدنظر است.

(د) پرونده به دیوان عالی کشور ارسال خواهد شد تا، حل اختلاف کند.

#### ۴- هرگاه قاضی مجتهد باشد و قانون را خلاف شرع بداند، باید:

(ارشر سراسری ۱۳۸۲)

(الف) جهت ارجاع پرونده به شعبه دیگر، قرار عدم صلاحیت صادر نماید.

(ب) جهت ارجاع پرونده به شعبه دیگر، قرار امتناع از رسیدگی صادر نماید.

(ج) براساس نظر اجتهادی خود اقدام به صدور رأی نماید اما این رأی، قابل نقض می‌باشد.

(د) براساس نظر اجتهادی خود اقدام به صدور رأی نماید و این رأی فقط نزد مجتهد جامع‌الشرایط قابل

شکایت است.

#### ۵- اگر در ارتباط با دعوا مطروحه حکم قانونی موهود نباشد، قاضی رسیدگی‌کننده چه تکلیفی

(وکالت ۱۳۸۴)

دارد؟

(الف) از نظر قانونی تکلیفی ندارد و می‌تواند دعوا را رد کند.

(ب) بایستی با استناد به منابع معتبر اسلامی و یا عرف، حکم قضیه را صادر نماید.

- ج) بایستی با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی، حکم قضیه را صادر نماید.  
 د) بایستی با استناد به منابع معتبر اسلامی و فتاوی معتبر یا عرف مسلم، حکم قضیه را صادر نماید.  
**۶- پنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون را مخالف شرع بداند:**  
 الف) پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال می نماید تا حل اختلاف شود.  
 ب) باید براساس اجتهاد خود رأی صادر کند و رأی قابل تجدیدنظر است.  
 ج) باید براساس اجتهاد خود رأی صادر نماید و رأی قطعی است.  
 د) پرونده به شعبه دیگری جهت رسیدگی ارجاع خواهد شد.  
**۷- پنانچه در قضیه مطروحه اصلاً قانونی وجود نداشته باشد، وظیفه قاضی چیست؟** (وکالت ۱۳۸۷)  
 الف) باید حکم به رد دعوی صادر نماید.  
 ب) باید با مصالحه فصل خصومت کند.  
 ج) باید به داوری ارجاع دهد.  
 د) باید به استناد منابع معتبر اسلامی و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد حکم مقتضی صادر کند.  
**۸- پنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون ماکم بر دعوا را فلاف شرع بداند، کدام مورد صمیم است؟** (وکالت ۱۳۹۷)

- الف) باید از رسیدگی امتناع کند حتی اگر دعوی مطروحه راجع به اصل نکاح و یا طلاق باشد.  
 ب) می تواند از رسیدگی امتناع کند و نوع دعوا تاثیری ندارد.  
 ج) فقط در دعاوی غیر مالی می تواند از رسیدگی امتناع کند.  
 د) باید از رسیدگی امتناع کند، مگر دعوی مطروحه راجع به اصل نکاح و یا طلاق باشد.

## پاسخنامه

۱ الف ۲ الف ۳ ب ۴ ب ۵ ج ۶ د ۷ د

**۸ ب** هر چند مطابق با صدر ماده ۳ از آیین دادرسی مدنی قضات دادگاهها مکلف اند مطابق قانون به دعاوی رسیدگی نمایند و تمامی قوانین از لحاظ شرعی بودن در شورای نگهبان بررسی می گردد و نظر این شورا فصل الخطاب است و تمامی ایرانیان و افراد مقیم کشور تابع این قوانین شرعی هستند؛ لیکن بنابر تبصره همان ماده و بر اساس یک اصل شرعی که قاضی مجتهد را نمی توان به قبول آراء مخالف نظر خود اجبار و تسلیم نمود، قضات دادگاه ها چنانچه مجتهد باشند و قانون را خلاف شرع بدانند، می توانند از رسیدگی امتناع نمایند و پرونده را به شعبه دیگری جهت رسیدگی ارجاع خواهد شد.

**ماده ۴- دادگاهها مکلف اند در مورد هر دعوا به طور خاص تعیین تکلیف نمایند و نباید به صورت عام و کلی حکم صادر کنند.**

**نکته ۱:** در صورتی که حکم دعوا به صورت عام صادر شده باشد، در مراجع بالاتر قضایی فسخ خواهد شد.

**نکته ۲:** منظور از تعیین تکلیف به طور خاص عبارت است از صدور حکم صرفاً برای همان پرونده

و در واقع قضات نمی‌توانند برای سایر پرونده‌ها تعیین تکلیف نمایند. صدور حکم به طور عام از ویژگی‌های قانون است.



### ۱- دادگاه‌ها مکلف‌اند:

(مشاوران حقوقی ۱۳۸۱، قضاوت ۱۳۷۹)

- الف) در مورد هر دعوا به دلایل طرفین رسیدگی نموده و به صورت کلی مبادرت به صدور حکم نمایند.  
 ب) به دعوا مطروحه با توجه به مندرجات دادخواست رسیدگی نموده و به صورت عام حکم صادر نمایند.  
 ج) به دعوای مطروحه با توجه به نتیجه رسیدگی به دلایل متداعیین رأی پرونده را صادر نمایند.  
 د) در مورد هر دعوا به طور خاص تعیین تکلیف نمایند.

### ۲- دادگاه‌ها در امور مدنی موظفند:

(مشاوران حقوقی ۱۳۸۵)

- الف) در دعوای مطروحه با احراز واقع رأی مقتضی صادر و تعیین تکلیف قانونی نمایند.  
 ب) با توجه به خواسته دعوا رسیدگی و با صدور رأی تعیین تکلیف نمایند.  
 ج) در مورد هر دعوا به طور خاص، تعیین تکلیف قانونی نمایند.  
 د) در خصوص دعوای مطروحه با احراز واقع و اعلام ختم رسیدگی، رأی قانونی صادر نمایند.

### پاسخنامه

۱ د ۲ ج

**ماده ۵- آرای دادگاه‌ها قطعی است مگر در موارد مقرر در باب چهارم این قانون یا در مواردی که به موجب سایر قوانین قابل نقض یا تجدیدنظر باشند.**

**نکته ۱:** اصل بر این است که آرای صادره از دادگاه بدوی قطعی می‌باشد مگر، در موارد منصوص در قانون که قابلیت نقض و تجدیدنظر آراء پیش بینی شده است.

**نکته ۲:** حکمی که قطعی نشده باشد، قابلیت اجرا ندارد مگر در ۲ مورد که استثناء شده است:  
 الف- حکم ورشکستگی

ب- دعوای تصرف

**نکته ۳:** حکمی که به محکوم‌علیه یا وکیل یا قائم‌مقام قانونی وی ابلاغ نشده و حکمی که موضوع آن معین نباشد، قابل اجرا نیست.

**نکته ۴:** آرای دادگاه‌ها اعم از حکم یا قرار است، خواه در امور مربوط به دعوای (حقوقی یا کیفری) صادر شده باشد و خواه در امور حسبی.

**نکته ۵:** به موجب این ماده ← رسیدگی به هر دعوایی یک مرحله‌ای بوده و رسیدگی دو مرحله‌ای خلاف اصل محسوب می‌شود و نیاز به تصریح قانونگذار دارد.

.....

.....

۱- کدام مورد، درمفصوص قطعیت آرای دادگاهها صمیم است؟ (تفصیلات ۱۳۹۳)

- (الف) اصل بر قطعیت قرارها است برخلاف احکام. (ب) اصل بر قطعیت احکام است برخلاف قرارها.  
(ج) اصل بر عدم قطعیت است. (د) اصل بر قطعیت است.

پاسخنامه

۱ د

**ماده ۶-** عقود و قراردادهایی که محل نظم عمومی یا برخلاف اخلاق حسنه که مغایر با موازین شرع باشد در دادگاه قابل ترتیب اثر نیست.

**نکته ۱:** دادگاه در موارد زیر نباید به عقد یا قرارداد ترتیب اثر دهد:

- ۱- در صورتی که مخالف اخلاق حسنه باشد.
- ۲- در صورتی که مخالف نظم عمومی باشد.
- ۳- در صورتی که مخالف صریح قانون باشد.

**نکته ۲:** رأیی که براساس قراردادی که برخلاف اخلاق حسنه یا نظم عمومی یا مخالف قانون بوده صادر شود، قابلیت فسخ و نقض در دادگاه تجدیدنظر استان و دیوان عالی کشور را دارد. (از جهات فسخ و نقض می باشد)

.....

.....

۱- عقود و قراردادهایی که محل نظم عمومی است در ..... قابل ترتیب اثر نیست.

(تفصیلات ۱۳۸۰)

- (الف) دفتر کل (ب) دادگاه (ج) مرجع داوری (د) مورد طرفین

پاسخنامه

۱ ب

**ماده ۷-** به ماهیت هیچ دعوایی نمی توان در مرحله بالاتر رسیدگی نمود، تا زمانی که در مرحله نخستین در آن دعوا حکمی صادر نشده باشد، مگر به موجب قانون.

**نکته ۱:** اصل بر این است که به هیچ دعوایی نمی توان در مراحل بالاتر بدون اینکه در مرحله بدوی



مورد رسیدگی قرار گرفته باشد، رسیدگی نمود. (رسیدگی در مراحل بالاتر منوط به رسیدگی در دادگاه بدوی می‌باشد)

**نکته ۲:** استننا بر اصل ← طرح دعاوی طاری می‌باشد (جلب ثالث و ورود ثالث در مرحله تجدیدنظر).

**نکته ۳:** رسیدگی به دعاوی متقابل در مرحله تجدیدنظر در صورتی که در مرحله بدوی به آن رسیدگی نشده باشد، صورت قانونی ندارد (رای شماره ۳۱۵-۱۳۲۳/۵/۳۱، شعبه اول دیوان عالی کشور).

**نکته ۴:** مرحله بالاتر که رسیدگی ماهوی می‌کند، به مرحله تجدیدنظر منحصر می‌شود و در مرحله فرجام فقط رسیدگی شکلی صورت می‌گیرد.



**۱- برابر ماده ۷ قانون آیین دادرسی مدنی به ماهیت هیچ دعوایی نمی‌توان در مرحله ..... رسیدگی نمود تا زمانی که در مرحله ..... در آن دعوا ..... صادر نشده باشد مگر**  
 (مشاوران حقوقی ۱۳۸۶)

- الف) نخستین - بالاتر - قراری - به تشخیص دادگاه. ب) بالاتر - نخستین - حکمی - به موجب قانون.  
 ج) نخستین - بالاتر - حکمی - به تشخیص دادگاه. د) بالاتر - نخستین - قراری - به موجب قانون.

#### پاسخنامه

۱ ب

**ماده ۸ - هیچ مقام رسمی یا سازمان یا اداره دولتی نمی‌تواند حکم دادگاه را تغییر دهد و یا از اجرای آن جلوگیری کند مگر، دادگاهی که حکم صادر نموده و یا مرجع بالاتر، آن هم در مواردی که قانون معین نموده باشد.**

**نکته ۱:** منظور از مقام رسمی، اعم از مقام‌های دادگستری و سایر مقام‌های مملکتی می‌باشد. به بیان دیگر کسی که با احراز شرایط قانونی و با صدور حکم تصدی، مقامی را عهده‌دار شده و وظایف و تکالیفی بر عهده وی گذاشته می‌شود، مقام رسمی است.

**نکته ۲:** این ماده بیانگر قاعده فراغ دادرسی می‌باشد (هنگامی که دادرسی رای را صادر می‌کند، دیگر حق ندارد نسبت به آن دخل و تصرفی نماید یا تغییراتی بدهد و حتی نمی‌تواند با رضایت اصحاب دعوا رأی خود را تغییر دهد).

**نکته ۳:** استثنائات بر قاعده فراغ دادرسی: دادگاه پس از صدور حکم یا قرار قاطع، تحت شرایطی می‌تواند آن را تصحیح نماید یا در صورت وجود اجمال یا ابهام آن را تفسیر نماید و یا در پس اعتراض محکوم‌علیه غایب یا اعتراض شخص ثالث و یا اعاده دادرسی مجدداً به دعوایی که منتهی

به صدور رأی شده، تحت شرایطی اشتغال یابد.



**ماده ۹-** رسیدگی به دعایی که قبل از تاریخ اجرای این قانون اقامه شده به ترتیب مقرر در این قانون ادامه می‌یابد. آرای صادره از حیث قابلیت اعتراض و تجدیدنظر و فرجام، تابع قوانین مجری در زمان صدور آنان می‌باشد مگر این‌که آن قوانین، خلاف شرع شناخته شود نسبت به کلیه قرارهای عدم صلاحیتی که قبل از تاریخ اجرای این قانون از دادگاه‌ها صادر شده و در زمان اجرای این قانون در جریان رسیدگی تجدیدنظر یا فرجامی است به ترتیب مقرر در این قانون عمل می‌شود.

**نکته ۱:** آرای صادره از حیث قابلیت اعتراض و تجدیدنظر و فرجام، تابع قوانین مُجرا در زمان صدور آنان می‌باشد مگر این‌که آن قوانین، خلاف شرع شناخته شوند.

**نکته ۲:** نسبت به کلیه قرارهای عدم صلاحیتی که قبل از تاریخ اجرای این قانون از دادگاه‌ها صادر شده و در زمان اجرای این قانون در جریان رسیدگی تجدیدنظر یا فرجامی است، به ترتیب مقرر در این قانون عمل می‌شود.

**نکته ۳:** مقررات مربوط به سازمان قضاوتی از قوانین آمره محسوب می‌شود و اثر فوری دارد (عطف به ماسبق می‌شود) و شامل دعوی مطروحه نیز می‌شود.

**نکته ۴:** مقررات مربوط به صلاحیت ذاتی از قوانین آمره شمرده شده و اثر فوری دارد (عطف به ماسبق می‌شود) اما مقررات مربوط به صلاحیت نسبی دادگاه‌ها از قوانین مخیره (تکمیلی) بوده و اصولاً عطف به ماسبق نمی‌شود مگر اینکه در خود قانون یا قوانین دیگر ترتیبی غیر از این مقرر شود.

**نکته ۵:** مقررات مربوط به آیین دادرسی به معنای اخص (مانند مهلت تجدیدنظرخواهی و...) از قوانین آمره محسوب می‌شود و این مقررات نیز اثر فوری داشته (عطف به ماسبق می‌شود) مگر در مواردی که عطف به ماسبق شدن به حقوق مکتسبه افراد، خللی وارد سازد.

**نکته ۶:** چنانچه در زمان مطرح بودن امری در دیوان عالی کشور یکی از مقررات آیین دادرسی مدنی به معنای خاص لازم‌الاجرا گردد که در زمان صدور رأی فرجام خواسته لازم‌الاجرا نبوده، در دیوان عالی کشور مورد عنایت قرار نمی‌گیرد اما چنانچه رأی نقض شود دادگاه مرجوع‌الیه مکلف به اجرای مقررات جدید می‌باشد.

**نکته ۷:** رأی وحدت رویه قابل تجدیدنظر نبوده و فقط به موجب قانون بی اثر می‌شود.



(ارشد آزاد ۱۳۷۷)

**۱- عطف به ماسبق شدن مقررات آیین دادرسی مدنی به معنای افص:**

- الف) در هر صورت غیرممکن است و صحیح نمی‌باشد.  
 ب) با توجه به مقررات مؤخرالتصویب سؤال در هیچ صورتی مطرح نمی‌شود.  
 ج) در صورتی که به حقوق مکتسبه اشخاص خلل وارد آورد، ممکن نمی‌باشد.  
 د) در صورتی که در خود آن‌ها تصریح نشده باشد، صحیح نمی‌باشد.

**۲- مکتبی از دادگاه عمومی صادر شده که، با توجه به مقررات ماکم در زمان صدور آن غیرقابل فرجام و با توجه به مقررات ماکم در زمان ابلاغ آن قابل فرجام است. فرجام‌فواهی مکتوم‌علیه نسبت به این مکتب، قانوناً:**

(وکالت ۱۳۸۳)

- الف) ممکن نیست.  
 ب) ممکن است.  
 ج) بستگی به مقررات فعلی دارد.  
 د) بستگی به نظر ریاست دیوان عالی کشور دارد.

(ارشد سراسری ۱۳۸۳)

**۳- مقررات مربوط به سازمان قضایی، از قواعد آمره:**

- الف) بوده و اثر فوری دارند و توافق خلاف آن‌ها بی‌اثر است.  
 ب) بوده و اثر فوری ندارند و توافق خلاف آن‌ها بی‌اثر است.  
 ج) نبوده و اثر فوری دارند و توافق خلاف آن‌ها معتبر است.  
 د) نبوده و اثر فوری ندارند و توافق خلاف آن‌ها معتبر است.

(ارشد آزاد ۱۳۸۴)

**۴- مقررات آیین دادرسی مدنی به معنای افص، اصولاً از قواعد.....**

- الف) آمره شمرده می‌شوند و توافق خلاف آن‌ها مؤثر نیست.  
 ب) مخیره شمرده می‌شوند و توافق خلاف آن‌ها مؤثر است.  
 ج) آمره شمرده می‌شوند و توافق خلاف آن‌ها، به صلاحدید دادگاه مؤثر است.  
 د) مخیره شمرده می‌شوند و توافق خلاف آن‌ها، به صلاحدید دادگاه مؤثر است.

**۵- قوانین جدید ماکم بر آیین تهیه، ارائه و به کارگیری دلیل، در دادرسی‌های در بریان، علی‌القاعده**

(ارشد سراسری ۱۳۸۴)

- الف) باید فوراً اجرا شود.  
 ب) نباید فوراً اجرا شود.  
 ج) تنها در صورتی باید فوراً اجرا شود که مربوط به اعمال حقوقی باشد.  
 د) تنها در صورتی باید فوراً اجرا شود که مربوط به وقایع حقوقی باشد.

**۶- هرگاه پس از تقدیم دادخواست نفستین به دادگاه صالح، به مومیب قانون، در قلمرو یا نوع پنین دادگاهی تغییر ایجاد شود به گونه‌ای که صلاحیت فود را از دست بدهد، علی‌القاعده تغییر ایجاد شده .....**

(ارشد سراسری ۱۳۸۴)

- الف) در قلمرو یا نوع، مانع رسیدگی دادگاه است.  
 ب) در قلمرو یا نوع، مانع رسیدگی دادگاه نیست.  
 ج) در قلمرو، مانع رسیدگی دادگاه است اما در نوع، مانع رسیدگی نیست.  
 د) در قلمرو، مانع رسیدگی دادگاه نیست اما در نوع، مانع رسیدگی است.

۷- پیش از صدور رأی که از دادگاه انقلاب صادر شده و طبق مقررات قطعی است، طرفین توافق می‌نمایند که رأی مزبور قابل تجدیدنظر باشد، این رأی قابل تجدیدنظر:

(ارشاد آزار ۱۳۸۵)

الف) است، چون مربوط به حقوق خصوصی اشخاص است.

ب) نیست، چون توافق خلاف قواعد آمره است.

ج) است، چون در دادگاه انقلاب تنها به موازین شرعی عمل می‌شود.

د) نیست، چون امر در دادگاه انقلاب مطرح است.

۸- دعوایی در دادگاه عمومی کرج اقامه می‌شود در جریان دادرسی، به موجب قانون، دعوایی از این قبیل در صلاحیت دادگاه انقلاب تهران قرار می‌گیرد. در این صورت دادگاه کرج علی‌القاعده باید:

(ارشاد آزار ۱۳۸۷)

الف) با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را به دادگاه انقلاب تهران بفرستد.

ب) پرونده را برای تعیین مراجع صالح به دیوان عالی کشور بفرستد.

ج) رسیدگی را ادامه دهد.

د) پرونده را برای تعیین مرجع صالح به دادگاه تجدیدنظر استان تهران بفرستد.

۹- آرای صادره از میث قابلیت اعتراض و تجدیدنظر و فرجام، تابع چه قانونی است؟ (وکالت ۱۳۸۷)

الف) قانون مجرا در زمان صدور آنان، مگر اینکه آن قوانین خلاف شرع شناخته شود.

ب) قانون زمان تقدیم دادخواست بدوی.

ج) قانون زمان اعتراض یا تجدیدنظر یا فرجام.

د) قانون لاحق.

۱۰- اگر در جریان رسیدگی به دعوایی، به موجب قانون جدید، تعداد قضات دادگاه تغییر یابد، در ادامه رسیدگی، تعداد قضات باید به تعدادی باشد که:

(ارشاد آزار ۱۳۸۸)

الف) در قانون جدید پیش‌بینی شده مگر طرفین، خلاف آن تراضی نمایند.

ب) در قانون قبلی پیش‌بینی شده بود

ج) در قانون قبلی پیش‌بینی شده بود مگر طرفین، خلاف آن تراضی نمایند

د) در قانون جدید پیش‌بینی شده است

۱۱- پنانچه در جریان رسیدگی به دعوایی که در دادگاه عمومی اقامه شده به موجب قانون بعدی، مرجع دیگری ذاتاً صالح شود دادگاه عمومی باید ..... (وکالت ۱۳۹۱)

الف) در هر حال به رسیدگی ادامه دهد.

ب) در هر حال قرار عدم صلاحیت صادر نماید.

ج) قرار عدم صلاحیت صادر نماید مگر، در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

د) به رسیدگی ادامه دهد مگر، در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

#### پاسخنامه

۱ ج	۲ الف	۳ الف	۴ الف	۵ الف	۶ د	۷ ب
۸ الف	۹ الف	۱۰ د	۱۱ ج			

## باب اول: در صلاحیت دادگاهها

### فصل اول: در صلاحیت ذاتی و نسبی دادگاهها

**ماده ۱۰-** رسیدگی نخستین به دعاوی، حسب مورد در صلاحیت دادگاههای عمومی و انقلاب است مگر در مواردی که قانون مرجع دیگری را تعیین کرده باشد.

**نکته ۱:** صلاحیت از حیث مفهوم، عبارت از تکلیف و حقی است که مراجع قضائتی در رسیدگی به دعاوی، شکایات و امور به خصوص، به حکم قانون، دارا می‌باشند.  
صلاحیت:

الف- ذاتی ← عبارت است از حق و تکلیف این مرجع با توجه به صنف، نوع و درجه آن‌ها در رسیدگی به دعاوی و صدور رأی به حکم قانون. (مراجع قضائتی ایران از حیث صنف به مراجع قضایی و مراجع اداری و از لحاظ نوع به مراجع عمومی و اختصاصی و از لحاظ درجه به بدوی و تجدیدنظر تقسیم می‌شوند).

ب- محلی ← وقتی با اعمال قواعد مربوط به صلاحیت ذاتی مشخص شد که کدام مرجع از لحاظ صنف، نوع و درجه، صالح به رسیدگی است، باید از میان همه دادگاه‌های صالح در ایران با توجه به قواعد مربوط به صلاحیت محلی، دادگاه صالح مشخص شود.

**نکته ۲:** اصل بر صلاحیت مراجع قضایی عمومی است و این مراجع صلاحیت رسیدگی به تمامی امور جز آنچه را که به صراحت در صلاحیت مراجع اختصاصی قرار گرفته است، دارند. بالعکس مراجع اختصاصی صلاحیت رسیدگی به هیچ دعوایی (امری) را ندارد مگر آنچه به مطابق قانون و صراحت در صلاحیت آن‌ها قرار گرفته است.

**نکته ۳:** دعوای افراز ملکی که جریان ثبتی آن‌ها خاتمه یافته، در صلاحیت اداره ثبت محل وقوع ملک است اما اگر جریان ثبتی به پایان نرسیده باشد، دعوا در صلاحیت دادگاه عمومی است.

**نکته ۴:** دیوان عدالت اداری تنها مرجع عمومی اداری و عالی‌ترین آن نیز می‌باشد.

**نکته ۵:** دادگاه خانواده از مراجع اختصاصی شمرده می‌شود و تنها صلاحیت رسیدگی به دعاوی و اموری را خواهد داشت که، قانونگذار در صلاحیت آن قرار داده است.

**نکته ۶:** آرای صادره از مراجعی که صلاحیت ذاتی ندارند بی اعتبار است، اما این بی اعتباری تا وقتی قابل طرح است که راه رسیدگی باز باشد. بنابراین چنین رای‌ی وقتی قطعی شد، اعتبار امر مختومه دارد.

**نکته ۷:** موارد زیر از جمله صلاحیت‌های ذاتی است:

۱- صلاحیت مراجع قضایی دادگستری نسبت به مراجع غیردادگستری

۲- صلاحیت دادگاه‌های عمومی نسبت به دادگاه انقلاب و دادگاه‌های نظامی

۳- صلاحیت دادگاه‌های بدوی نسبت به دادگاه‌های تجدیدنظر

**نکته ۸:** قوانین مربوط به صلاحیت نسبی عطف به ماسبق نمی‌شود ولی، قوانین مربوط به صلاحیت ذاتی عطف به ماسبق می‌شود.

**نکته ۹:** در موارد صلاحیت نسبی دادگاه‌ها، توافق اصحاب دعوا برای ارجاع دعوا به دادگاهی دیگر که صلاحیت نسبی رسیدگی به دعوا را ندارند «آنچه مربوط به دعاوی خانواده است» بی‌اثر به نظر می‌رسد.

**نکته ۱۰:** قواعد مربوط به صلاحیت ذاتی، به نظم عمومی مربوط بوده و از جمله قواعد آمره به شمار می‌رود در نتیجه، برای اعمال این قواعد لازم نیست که حتماً طرف‌های دعوا بر عدم صلاحیت ایراد کنند بلکه تشخیص صلاحیت با خود دادگاه بوده و در این مورد مکلف به صدور قرار عدم صلاحیت می‌باشد همچنین توافق برخلاف قواعد آمره (همانند صلاحیت ذاتی و ارجاع دعوا به دادگاهی که صالح نیست) فاقد اعتبار است.

**نکته ۱۱:** قواعد مربوط به صلاحیت نسبی، از قواعد تکمیلی بوده و طرفین دعوا می‌توانند برخلاف آن تراضی نموده و دعوا را در دادگاهی که طبق اصول، صالح به رسیدگی (البته از نظر محلی) نیست، مطرح نمایند اما در هر حال توافق صریح یا ضمنی طرفین دعوا دادگاهی را که صلاحیت محلی برای رسیدگی به آن دعوا را ندارد، مکلف به رسیدگی نمی‌کند.

**نکته ۱۲:** ظاهر تبصره ۱ ماده ۱۰ ق.د.ع.ا دلالت بر این دارد که آنچه بر عهده دادگاه عمومی است تعیین میزان خسارت است و آنچه به دیوان عدالت واگذار شده رسیدگی و احراز تقصیر واحد یا شخص طرف شکایت است.

**نکته ۱۳:** چنانچه دعاوی داخل در صلاحیت دادگاه خانواده در سایر شعب دادگاه عمومی اقامه گردد، این دادگاه باید قرار عدم صلاحیت صادر نماید.

**نکته ۱۴:** اگر شهرداری از صدور پروانه ساختمان خودداری نماید، مرجع الزام آن دیوان عدالت اداری می‌باشد. (رای وحدت رویه ۵۵۶-۱۰/۲/۱۳۷۰)

**نکته ۱۵:** دعاوی ابطال دستور اجرای سندی که از اجرای ثبت صادر شده است، در صلاحیت دادگاه عمومی محل مرجعی است که دستور اجرا صادر نموده است.

**نکته ۱۶:** رسیدگی به دعاوی حقوقی علیه روحانیون، در دادگاه عمومی طبق آیین دادرسی مدنی دادگاه‌های عمومی خواهد بود.

۱- مستأجری که با سند عادی مملی را برای کسب، اجاره نموده و پس از انقضای مدت اجاره تا کنون پنج‌سال مورد اجاره را در تصرف دارد، بدون داشتن حق انتقال به غیر و بدون رضایت موجر، مورد اجاره را به غیر منتقل می‌کند موجر برای تفریح مورد اجاره باید؛ (ارشاد سراسری ۱۳۷۷)

الف) به اداره اجرای ثبت مراجعه کند.

ب) به دادگاه عمومی مراجعه کند.

ج) باید طبق قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۷۶/۵/۲۹ به مقام قضایی مراجعه کند تا مقام قضایی حکم تخلیه صادر کند.

د) باید به مقام قضایی مراجعه کند، تا مقام قضایی دستور تخلیه را به اداره اجرای ثبت صادر کند.

**۲-** دو نفر در یک قطعه زمین ثبت شده مشاعاً شریک هستند به علت مدوئ اختلاف، یکی از شرکا تصمیم به افراز ملک مشاعی می‌گیرد، او باید به کدام مرجع مراجعه کند؟ (وکالت ۱۳۷۸)

الف) واحد ثبتی محل وقوع ملک

ب) دادگاه عمومی محل وقوع ملک

ج) دادگاه عمومی محل اقامت خوانده

د) دادگاه عمومی اقامتگاه خواهان

**۳-** دعوای ابطال دستور اجرای سند لازم‌الاجرا که از اجرای ثبت صادر شده باشد، در صلاحیت دادگاه ممل: (ارشد آژار ۱۳۸۱)

الف) مرجعی است که عملیات اجرایی در آنجا انجام شود.

ب) اقامت خوانده است.

ج) اقامت خواهان است.

د) مرجعی است که دستور اجرا صادر نموده است.

**۴-** درخواست افراز ملکی که جریان ثبتی آن فائمه یافته و طرف مقابل آن اداره دولتی است، در صلاحیت: (ارشد آژار ۱۳۷۷، ارشد سراسری ۱۳۸۱)

الف) دادگاه عمومی است.

ب) دیوان عدالت اداری است.

ج) اداره ثبت محل وقوع ملک است.

د) اداره ثبت محل اقامت طرف مقابل است.

**۵-** رسیدگی به شکایت از شهرداری در مورد فودداری از صدور پروانه ساختمانی در صلاحیت ..... (وکالت ۱۳۸۲، ارشد سراسری ۱۳۷۸، ارشد آژار ۱۳۷۵)

الف) دادگاه محل وقوع ملک است.

ب) دادگاه محل اقامت خواهان است.

ج) دیوان عدالت اداری است.

د) در صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده است.

**۶-** رسیدگی به درخواست افراز نسبت به املاک: (مشاوران فقوقی ۱۳۸۲)

الف) چنانچه عملیات ثبتی خاتمه یافته باشد در صلاحیت واحد ثبتی محل است.

ب) چنانچه در بین شرکا محجور باشد، در صلاحیت دادگاه است.

ج) چنانچه عملیات ثبتی خاتمه نیافته باشد، در صلاحیت دادگاه است.

د) موارد الف، ب و ج صحیح است.

**۷-** چنانچه اداره ثبت نسبت به درخواست افراز رسیدگی و رأی صادر نماید: (ارشد آژار ۱۳۸۲)

الف) رأی مزبور قابل اعتراض ثالث نمی‌باشد، زیرا تصریح نشده است.

ب) رأی مزبور قابل اعتراض ثالث می‌باشد.

ج) رأی مزبور در صورتی قابل اعتراض ثالث است که جریان ثبتی ملک خاتمه نیافته باشد.

د) اعتراض ثالث نسبت به رأی مستلزم اجازه دیوان عالی کشور است.

#### ۸- رسیدگی به شکایت مؤدی نسبت به میزان عوارض معینه توسط شهرداری در صلاحیت کدام

(مشاوران حقوقی ۱۳۸۳)

مرجع است؟

الف) کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری‌ها

ب) دادگاه عمومی محل

ج) دیوان عدالت اداری

د) واحد تعزیرات حکومتی

#### ۹- درخواست افزایش ملکی که جریان ثبتی آن فائمه نیافته و طرف مقابل آن اداره دولتی است در

(ارشد آزاد ۱۳۸۳ و ۱۳۷۷)

صلاحیت:

الف) اداره ثبت محل وقوع ملک است.

ب) دیوان عدالت اداری است.

ج) دادگاه عمومی است.

د) اداره ثبت محل اقامت طرف مقابل است.

#### ۱۰- هرگاه متعهد سند لازم‌الاجرا مقیم کرج باشد و دستور اجرای سند از اداره ثبت تهران صادر شود،

(ارشد آزاد ۱۳۸۴)

دعوی ابطال دستور اجرا، در صلاحیت .....

الف) هیأت نظارت استان تهران است.

ب) دادگاه عمومی کرج است.

ج) هیأت نظارت شهرستان کرج است.

د) دادگاه عمومی تهران است.

(ارشد سراسری ۱۳۸۴)

#### ۱۱- دعوی ابطال دستور اجرای سند لازم‌الاجرا در صلاحیت .....

الف) دادگاه عمومی محل مرجعی است که دستور اجرا صادر کرده است.

ب) هیأت نظارت اداره ثبت محل اقامت خوانده است.

ج) هیأت نظارت اداره ثبت محل تنظیم سند است.

د) دادگاه عمومی محل اقامت خوانده است.

(ارشد سراسری ۱۳۸۳)

#### ۱۲- رسیدگی به تلافی قاضی عضو هیأت مل اختلاف مالیاتی:

الف) در هر حال، در صلاحیت دادگاه عالی انتظامی قضات است.

ب) در هر حال، در صلاحیت دادگاه رسیدگی به تخلفات اداری است.

ج) اگر قاضی شاغل دادگستری باشد، در صلاحیت دیوان عالی کشور است.

د) اگر قاضی شاغل دادگستری باشد، در صلاحیت دادگاه عالی انتظامی قضات است.

(ارشد آزاد ۱۳۸۶)

#### ۱۳- رأی اداره ثبت، در دعوی افزایش ملکی که جریان ثبتی آن پایان یافته، تنها قابل:

الف) اعتراض هریک از شرکا در دادگاه عمومی است و رأی این دادگاه قطعی است.

ب) اعتراض هریک از شرکا در دادگاه عمومی و رأی دادگاه عمومی قابل تجدیدنظر است.

ج) اعتراض هریک از شرکا اعتراض ثالث و اعاده‌ی دادرسی است.

د) اعتراض هریک از شرکا و اعتراض شخص ثالث است.

#### ۱۴- به موجب رأی کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری‌ها، میزان عوارض فروش محصولات شرکت

دولتی (الف) سیصد میلیون ریال اعلام شده است، شرکت مزبور نسبت به رأی کمیسیون ماده ۷۷

(مشاوران حقوقی ۱۳۸۸)

اعتراض دارد:

الف) رأی مزبور غیر قابل اعتراض است.

ب) رأی قابل اعتراض می‌باشد و مرجع رسیدگی به آن دیوان عدالت اداری است.



ج) رأی قابل اعتراض می‌باشد و مرجع رسیدگی به آن دادگاه عمومی است.

د) رأی قابل اعتراض می‌باشد و مرجع آن کمیسیون تجدیدنظر ماده ۷۷ قانون شهرداری‌هاست.

**۱۵- دعوای ابطال دستور اجرای سند (رسمی در صلاحیت ..... است.** (وکالت ۱۳۹۱)

الف) هیأت نظارت استان (ب) دادگاه محل صدور دستور اجرا

ج) دادگاه محل اقامت متعهد سند (د) شورای عالی ثبت

**۱۶- چنانچه شفصی ملک فود را برای مدت دو سال به فرمانداری شهری اجاره دهد، اما مستأجر پس**

**از پایان مدت اجاره، به دستور وزیر کشور، از تفلیه ملک فودداری نماید. مالک، برای تفلیه ملک باید**  
**به ..... مراجعه نماید.** (وکالت ۱۳۹۱)

الف) دیوان عدالت اداری

ب) دادگاه عمومی محل وقوع ملک

ج) شورای حل اختلاف مستقر در دیوان عدالت اداری

د) شورای حل اختلاف محل اقامت خوانده

**۱۷- چنانچه تمامی مراجعی که در قوانین پیش‌بینی شده تشکیل شده باشند، (رسیدگی به دعوای**

**مهر، در صلاحیت کدام مرجع است؟** (وکالت ۱۳۹۴)

الف) دادسرای عمومی و انقلاب (ب) شورای حل اختلاف

ج) دادگاه عمومی حقوقی (د) دادگاه خانواده

**۱۸- شکایت نسبت به دستور اجرای سند (رسمی، در صلاحیت کدام مرجع است؟** (وکالت ۱۳۹۳)

الف) دادگاه عمومی محل اجرای سند (ب) دادگاه عمومی محل اقامت خوانده

ج) دادگاه عمومی محل تنظیم سند (د) هیأت نظارت منطقه اجرای سند

**۱۹- کدام مورد درمفصوص (رسیدگی در دادگاه خانواده صمیم است؟** (وکالت ۱۳۹۳)

الف) با رعایت کلیه تشریفات آیین دادرسی مدنی انجام می‌شود. جز تشریفات مربوط به دادرسی غیابی

ب) با تقدیم دادخواست و بدون رعایت سایر تشریفات آیین دادرسی مدنی انجام می‌شود.

ج) بدون تقدیم دادخواست و سایر تشریفات آیین دادرسی مدنی انجام می‌شود.

د) با رعایت کلیه تشریفات آیین دادرسی مدنی انجام می‌شود.

**۲۰- صلاحیت دادگاه خانواده نسبت به دادگاه عمومی، شورای حل اختلاف نسبت به دادگاه عمومی**

**مقوقی درمفصوص دعوای مربوط به اموال عمومی، دادگاه عمومی بدوی نسبت به دادگاه تجدید**

**نظر استان، به ترتیب کدام است؟** (تفاوت ۱۳۹۲)

الف) نسبی، نسبی، ذاتی (ب) نسبی، ذاتی، ذاتی

ج) ذاتی، نسبی، ذاتی (د) ذاتی، ذاتی، ذاتی

**۲۱- تعیین میزان فسارت وارد شده از نامیه دستگاه های دولتی به دلیل تصمیمات اشتباه آنان،**

**چگونه است؟** (تفاوت ۱۳۹۳)

الف) هم‌زمان با صدور رأی در دیوان عدالت اداری، راجع به خسارت نیز حکم مقتضی صادر می‌شود

ب) پس از تصدیق خسارت در دیوان عدالت اداری، با دادگاه عمومی است.

ج) هم‌زمان با صدور رأی در دیوان عدالت اداری و به شرط مطالبه شاکی، حکم مقتضی صادر می‌شود.  
 د) خواهان می‌تواند در دیوان عدالت اداری و یا مستقلاً در دادگاه‌های عمومی صالح، طرح موضوع کند.

**۲۲- دعوای استرداد شناسنامه علیه شفص مفیقی، از کدام نوع دعوا و در صلاحیت کدام مرجع است؟**

(ارشد سراسری ۱۳۹۴)

الف) مالی - شورای حل اختلاف  
 ب) غیر مالی - اداره ثبت احوال  
 ج) مالی - دادگاه عمومی حقوقی  
 د) غیر مالی - دادگاه عمومی حقوقی

**۲۳- دیوان عدالت اداری مرجع ..... است.**

(ارشد سراسری ۱۳۹۳)

الف) عمومی اداری و عالی‌ترین مرجع قضایی  
 ب) اختصاصی اداری و عالی‌ترین مرجع اداری  
 ج) عمومی اداری و عالی‌ترین مرجع اداری  
 د) اختصاصی قضایی و عالی‌ترین مرجع اداری

**۲۴- دعوای ابطال دستور اجرای سند رسمی که در «اجرای ثبت» در مال اجراست، در صلاحیت کدام مرجع است؟**

(وکالت ۱۳۹۶)

الف) دادگاه عمومی محل اقامت خوانده  
 ب) رئیس اداره ثبت محل اجرای سند  
 ج) هیأت نظارت ثبت مستقر در استان محل اجرای سند  
 د) دادگاه عمومی محل صدور دستور اجرای سند

**۲۵- رسیدگی به دعوای مالکیت اشفاص، نسبت به اموالی که با مکم دادگاه انقلاب اسلامی مصادره شده‌اند، در صلاحیت کدام مرجع است؟**

(قضاوت ۱۳۹۶)

الف) شعب دادگاه انقلاب اسلامی  
 ب) شعبه صادرکننده حکم مصادره  
 ج) شعب ویژه اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران  
 د) دادگاه‌های عمومی حقوقی

**۲۶- اعتراض سازمان میراث فرهنگی به رأی کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری، در کدام مرجع قابل رسیدگی است؟**

(قضاوت ۱۳۹۷)

الف) دادگاه عمومی حقوقی  
 ب) شعب دیوان عدالت اداری  
 ج) هیأت عمومی دیوان عدالت اداری  
 د) هیچکدام

#### پاسخنامه

الف ۷	د ۶	ج ۵	ج ۴	د ۳	الف ۲	ب ۱
ب ۱۴	ب ۱۳	د ۱۲	الف ۱۱	د ۱۰	ج ۹	الف ۸
ب ۲۱	د ۲۰	ب ۱۹	الف ۱۸	د ۱۷	ب ۱۶	ب ۱۵
					د ۲۲	ج ۲۳

۲۴. د. به استناد ماده ۲ قانون اصلاح بعضی از مواد قانون ثبت و قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۲۲/۶/۲۷.

۲۵. ب. به استناد رأی وحدت رویه شماره ۵۸۱ مورخ ۱۲/۲/۱۳۷۱ نکته مهم آنکه رأی وحدت رویه ۵۷۵ مورخ ۲۹/۲/۱۳۷۱ با رأی وحدت رویه ۵۸۱ صراحتاً نسخ شده است.

**۲۶ الف.** دیوان عدالت اداری مرجع رسیدگی به تظلمات اشخاص حقیقی از دستگاه‌های دولتی است و بایستی توجه نمود مراجع استثنایی اداری از اشخاص دولتی محسوب نمی‌شوند به همین لحاظ طرح شکایت به طرفیت مراجع استثنایی بایستی در دادگاه عمومی اقامه شود.

**ماده ۱۱-** دعوا باید در دادگاهی اقامه شود که خوانده، در حوزه قضایی آن اقامتگاه دارد و اگر خوانده در ایران اقامتگاه نداشته باشد، در صورتی که در ایران محل سکونت موقت داشته باشد در دادگاه همان محل باید اقامه گردد و هر گاه در ایران اقامتگاه و یا محل سکونت موقت نداشته ولی مال غیرمنقول داشته باشد، دعوا در دادگاهی اقامه می‌شود که مال غیرمنقول در حوزه آن واقع است و هرگاه مال غیرمنقول هم نداشته باشد، خواهان در دادگاه محل اقامتگاه خود، اقامه دعوا خواهد کرد.

**تبصره-** حوزه قضایی عبارت است از قلمرو یک بخش یا شهرستان که دادگاه در آن واقع است. تقسیم‌بندی حوزه قضایی به واحدهایی از قبیل مجتمع یا ناحیه، تغییری در صلاحیت عام دادگاه مستقر در آن نمی‌دهد.

**نکته ۱:** اصل صلاحیت اقامتگاه خوانده مطابق با اصول عملیه به ویژه اصل برائت است و نیز با اماره

دلالت ظاهر بر واقع نیز هماهنگی کامل دارد.

**نکته ۲:** ترتیب صلاحیت دادگاه از حیث محلی به شرح زیر است:

الف- اگر خوانده اقامتگاه دارد، دادگاه محل اقامت وی صالح است.

ب- در صورتی که خوانده اقامتگاه ندارد، ولی محل سکونت موقت دارد، دادگاه محل سکونت وی صالح است.

ج- در صورتی که خوانده اقامتگاه و محل سکونت نداشته باشد، ولی مال غیرمنقول داشته باشد، دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول صالح است (هرچند موضوع دعوا مربوط به مال غیرمنقول نبوده باشد).

د- در صورتی که خوانده فاقد اقامتگاه، محل سکونت موقت و مال غیرمنقول باشد و خواهان نیز مقیم ایران نباشد به نظر می‌رسد، وی بتواند دعوا را در هریک از دادگاه‌های ایران مطرح کند.

**نکته ۳:** از آنجا که مناط صلاحیت، تاریخ تقدیم دادخواست می‌باشد، تغییر اقامتگاه توسط خوانده در جریان رسیدگی، تأثیری در صلاحیت دادگاه ندارد.

**نکته ۴:** اقامتگاه زن شوهردار، همان اقامتگاه شوهر است.

**نکته ۵:** اقامتگاه زن ناشزه و همچنین زنی که پس از عقد نکاح در محل قبلی خود سکونت داشته و به منزل شوهر نرفته است ← تابع اقامتگاه شوهر نیست.

**نکته ۶:** اقامتگاه صغیر و محجور، همان اقامتگاه ولی یا قیم است (ماده ۱۰۰۶ ق.م).

**نکته ۷:** اشخاص کیبری که معمولاً نزد دیگری کار یا خدمت می‌نمایند، چنانچه در منزل کارفرما یا مخدوم خود سکونت داشته باشند، اقامتگاه آن‌ها همان اقامتگاه کارفرما یا مخدوم آن‌ها خواهد

بود. (ماده ۱۰۰۹ ق.م.)

**نکته ۸:** اقامتگاه اشخاص زندانی که محکوم به زندان ابد گردیده‌اند و یا طول مدت زندان آن‌ها به اندازه‌ای است که عرفاً در زندان ثابت شمرده می‌شوند ← زندان به شمار می‌آید.

**نکته ۹:** طرفین دعوا می‌توانند، محلی را برای ابلاغ اوراق قضایی معین نمایند البته این محل باید در مقر دادگاهی باشد که، به دعوا رسیدگی می‌کند.

**نکته ۱۰:** ماده ۱۴ قانون حمایت از خانواده مصوب ۹۱: «هرگاه یکی از زوجین مقیم خارج از کشور باشد، دادگاه محل اقامت طرفی که در ایران اقامت دارد برای رسیدگی صالح است. اگر زوجین مقیم خارج از کشور باشند ولی یکی از آنان در ایران سکونت موقت داشته باشد، دادگاه محل سکونت فرد ساکن در ایران و اگر هر دو در ایران سکونت موقت داشته باشند، دادگاه محل سکونت موقت زوجه برای رسیدگی صالح است. هرگاه هیچ‌یک از زوجین در ایران سکونت نداشته باشند، دادگاه شهرستان تهران صلاحیت رسیدگی را دارد، مگر آنکه زوجین برای اقامه دعوی در محل دیگر توافق کنند»



**۱- رسیدگی به دعوا مطالبه مال الاجاره مال غیر منقول، هرگاه مستأجر مقیم کرج و موجر مقیم ورامین باشد، در صلاحیت دادگاه عمومی کدام شهر است؟**  
(ارشد سراسری ۱۳۷۶)

الف) ورامین

ب) تهران

د) به درخواست مستأجر تعیین می‌شود

ج) کرج

**۲- هرگاه محمد که مقیم کرج است فانه‌ای در بوشهر را به شفصی که مقیم اصفهان است، بفروشد و بخواهد برای مطالبه ثمن، طرح دعوا نماید، باید دعوی خود را در کدام یک از دادگاه‌های عمومی اقامه نماید؟**  
(ارشد سراسری ۱۳۷۸)

ب) اصفهان

الف) کرج

د) کرج یا بوشهر به انتخاب محمد

ج) بوشهر

**۳- شفصی به نام علی از شفص دیگری به نام مسن که مقیم فرانسه است ده میلیون ریال طلبکار است. مسن در ایران فاقد اقامتگاه و ممل سکونت موقتی و مال غیرمنقول است در صورتی که علی بخواهد علیه وی در دادگاه ایران اقامه دعوا نماید، باید دادخواست خود را به دادگاه:**

(وکالت ۱۳۷۸)

الف) اقامتگاه سابق خوانده تقدیم نماید.

ب) اقامتگاه خود تقدیم نماید.

ج) عمومی تهران تقدیم نماید.

د) محلی که خوانده سابقاً در آنجا مال غیرمنقول داشته است.

(ارشد آزاد ۱۳۷۸)

**۴- دعوای مطالبه اجاره‌بهای مال غیرمنقول:**

الف) باید در محل وقوع مال غیرمنقول اقامه شود.

ب) باید در دادگاه محل اقامت خوانده اقامه شود.

ج) باید در دادگاه محل وقوع عقد اقامه شود.

د) خواهان می‌تواند دعوا را در محل وقوع مال غیرمنقول یا محل انعقاد عقد اجاره اقامه نماید.

۵- **پنانه‌په خوانده خارجی و مقیم خارج و خواهان مقیم ایران باشد، دعوی شفصی:** (تالیفی)

الف) باید در دادگاه تهران اقامه شود.

ب) باید در دادگاه خارج اقامه شود.

ج) می‌تواند در هر یک از دادگاه‌های ایران اقامه شود.

د) باید در دادگاه محل اقامت خواهان اقامه شود.

۶- **موزه قضایی عبارت است از:** (قضاوت ۱۳۸۰ و ۱۳۷۹، دکترای اعزامی به خارج ۱۳۷۶)

الف) یک بخش و یا شهرستان

ب) یک بخش و یا شهرستان و یا نقاط معینی از شهرهای بزرگ

ج) یک بخش و یا نقاط معینی از شهرهای بزرگ

د) یک شهرستان و یا نقاط معینی از شهرهای بزرگ

۷- **کدام یک از دعوای زیر باید در دادگاه محل اقامت خوانده اقامه شود:** (وکالت ۱۳۸۲)

الف) اعسار از محکوم‌به

ب) ثمن معامله راجع به غیرمنقول

ج) دعوی خلع ید از اموال غیرمنقول

د) ابطال اجرائیه که اجرای ثبت به تقاضای زوجه برای وصول مهریه علیه زوج صادر کرده است.

۸- **اگر علی که مقیم تهران است فانه‌ای واقع در شیراز را به شفصی که مقیم قم است بفروشد،**

**برای طرح دعوی مطالبه ثمن در کدام یک از دادگاه‌های عمومی باید اقامه دعوی نماید؟**

(وکالت ۱۳۸۷)

الف) تهران

ب) شیراز

ج) قم

د) هر کدام دسترسی دارد.

پاسخنامه

۱ ج ۲ ب ۳ ب ۴ ب ۵ د ۶ الف ۷ ب ۸ ج

**ماده ۱۲-** دعوای مربوط به اموال غیرمنقول اعم از دعوی مالکیت، مزاحمت، ممانعت از حق، تصرف عدوانی و سایر حقوق راجع به آن در دادگاهی اقامه می‌شود که مال غیرمنقول در حوزه آن واقع است، اگرچه خوانده در آن حوزه مقیم نباشد.

**نکته ۱:** دعوای مطالبه خسارت وارد شده به ملک و اجرت‌المثل، در صلاحیت دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول است.

**نکته ۲:** دعاوی به خواسته الزام به انجام عقد یا قرارداد که موضوع آن حتی به طور مستقیم به تسلیم مال غیرمنقول مربوط باشد (مانند تعهد به تسلیم مال غیرمنقول) با توجه به اطلاق ماده ۲۰ ق.م.ا ← دعاوی منقول شمرده شده و در صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده یا محل انعقاد عقد می‌باشد. اما عده‌ای از حقوقدانان نیز این دعوا را غیرمنقول می‌دانند.

**نکته ۳:** حق شریکان (سهم شرکت) در موردی که شرکت دارای شخصیت حقوقی باشد و نیز حقوق معنوی مانند حق تالیف، مالکیت صنعتی و تجاری، منقول‌اند و در صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده می‌باشد.

**نکته ۴:** حق سرقفلی حقی است مخلوط که چهره غیرمنقول آن غلبه دارد.

**نکته ۵:** دعاوی مطالبه وجوه مربوط به مال غیرمنقول در صورتی که از عقد و یا قرارداد ناشی نشده باشد، از حیث صلاحیت مرجع رسیدگی، در حکم مال غیرمنقول است (رای وحدت رویه ۳۱۰-۱۳۶۳/۹/۵.د.ع.ک).

**نکته ۶:** دعاوی مربوط به حق تحجیر، تقسیم مال غیرمنقول، از مصادیق دعاوی راجع به مال غیرمنقول است.

**نکته ۷:** تولیت حقی است که، از مال غیرمنقول ناشی است بنابراین رسیدگی به دعاوی تولیت در صلاحیت دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول است (رای وحدت رویه ۱۷۲۲-۱۳۷۱/۱۱/۱.د.ع.ک)

**نکته ۸:** رسیدگی به دعاوی مالکیت و هر حقی که اشخاص حقیقی یا حقوقی نسبت به اموال مصادره شده، با حکم دادگاه انقلاب مطرح کنند، در صلاحیت دادگاه صادرکننده حکم است (رای وحدت رویه ۵۸۱-۱۳۷۱/۱۲/۲۲).

**نکته ۹:** در دعاوی مربوط به اموال غیرمنقول و حقوق راجع به آن، رعایت صلاحیت محلی الزامی می‌باشد و طرفین نمی‌توانند برخلاف آن توافق و تراضی نمایند.

**نکته ۱۰:** ماده ۱۲ قانون حمایت از خانواده مصوب ۹۱: «در دعاوی و امور خانوادگی مربوط به زوجین، زوجه می‌تواند در دادگاه محل اقامت خوانده یا محل سکونت خود اقامه دعوی کند مگر در موردی که خواسته، مطالبه مهریه غیرمنقول باشد».

## ۱- پنانپه ملکی که در خواست افراز آن شده، به موجب تصمیم قطعیت یافته اداره ثبت غیر قابل

(ارش سراسری ۱۳۹۰)

افراز تشفیص داده شود .....

الف) دادگاه عمومی، رأساً دستور فروش آن را صادر می‌کند.

ب) اداره ثبت، رأساً دستور فروش آن را صادر می‌کند.

ج) به درخواست هر یک از شرکا، دادگاه عمومی دستور فروش آن را صادر می‌کند.

د) به درخواست هر یک از شرکا رئیس اداره ثبت دستور فروش آن را صادر می‌کند.

(ارشده آژار ۱۳۷۵)

**۲- دعوی الزام به تنظیم سند رسمی انتقال مال غیرمنقول در صلاحیت:**

- الف) دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول است.  
 ب) دادگاه محل اقامت فروشنده است.  
 ج) دادگاه محل تنظیم میبایعه‌نامه است.  
 د) دادگاه دفتر اسناد رسمی مذکور در میبایعه‌نامه است.

(تفصاوت ۱۳۷۷)

**۳- در دعوی (امیج به مال غیرمنقول دادگاه صالح:**

- الف) دادگاهی است که خواننده در آن‌جا مقیم است.  
 ب) دادگاهی است که، خواننده در آن‌جا مال غیر منقول داشته باشد.  
 ج) دادگاهی است که، عقد یا قرارداد در آن‌جا واقع شده است.  
 د) دادگاهی که مال غیرمنقول در حوزه آن واقع است.

(ارشده آژار ۱۳۷۷)

**۴- دعوی تصرف عدوانی نسبت به ملک علیه اداره دولتی:**

- الف) در صلاحیت دیوان عدالت اداری است.  
 ب) در صلاحیت دادگاه محل وقوع ملک است.  
 ج) در صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده است.  
 د) قبل از اثبات تخلف اداره دولتی، به‌موجب حکم دیوان عدالت اداری در هیچ صورتی قابل طرح نمی‌باشد.

**۵- هرگاه شفصی که اقامتگاه او شهرستان کرچ است، به فواسته فلج ید از باغ فود در رامسر به طرفیت شرکت سهامی فاصی که مرکز اصلی آن در شهرستان رشت می‌باشد، دعوی اقامه نماید (سیدگی به این دعوا در صلاحیت کدام یک از دادگاه‌های عمومی ذیل است؟**

(وکالت ۱۳۸۰)

- الف) رامسر  
 ب) رشت  
 ج) کرچ  
 د) یکی از دادگاه‌های رامسر یا رشت به انتخاب خواهان

**۶- هرگاه شعبه شرکتی، ملکی را غصب نماید، مالک ملک دعوی فلج ید را باید در دادگاه محل اقامت خود ..... اقامه کند.**

(وکالت ۱۳۸۳)

- الف) اقامت خود      ب) وقوع ملک      ج) شعبه شرکت      د) مرکز اصلی شرکت

**۷- دعوی مطالبه‌ی ویموه مربوط به اموال غیرمنقول، در غیر مورد عقود و قراردادها.....**

(ارشده سراسری ۱۳۸۵)

- الف) منقول و در صلاحیت محل وقوع مال غیرمنقول است.  
 ب) منقول و در صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده است.  
 ج) غیرمنقول و در صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده است.  
 د) غیرمنقول و در صلاحیت محل وقوع مال غیرمنقول است.

**۸- قراردادی بین دو نفر که مقیم تهران‌اند، در تهران تنظیم می‌شود و در آن تعهد به تنظیم سند رسمی یک دستگاه فودرو و ملکی که در زاهدان واقع است می‌شود در این صورت دعوی الزام به تنظیم سند رسمی .....  
 (ارشده سراسری ۱۳۹۰)**

- الف) در صلاحیت دادگاه تهران است.

ب) در صلاحیت دادگاه زاهدان است.

ج) در صلاحیت دادگاهی است که خواهان انتخاب می‌نماید.

د) خودرو در صلاحیت دادگاه تهران و ملک در صلاحیت دادگاه زاهدان است.

### ۹- هرگاه کسی مال غیرمنقول مغموب را از غاصب ببرد، در دعوی مطالبه اجرت‌المثل ایام تصرف

(وکالت ۱۳۹۰)

### مشتری کدام دادگاه ذیصلاح است؟

الف) دادگاه حوزه اقامت مشتری

ب) دادگاه محل اقامت غاصب

ج) دادگاه محل وقوع عقد بیع

د) دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول

(وکالت ۱۳۹۲)

### ۱۰- دعوای مالکیت (راجع به مال غیرمنقول علیه شرکت .....)

الف) باید در محل وقوع مال غیر منقول اقامه شود حتی اگر شرکت دولتی باشد.

ب) باید در مرکز اصلی شرکت اقامه شود البته اگر شرکت دولتی باشد.

ج) خواهان می‌تواند دعوی را در محل انعقاد عقد یا مرکز اصلی شرکت اقامه نماید.

د) خواهان می‌تواند دعوی را در مرکز اصلی شرکت یا محل وقوع مال غیر منقول اقامه نماید.

### ۱۱- دعوای مطالبه مهریه غیرمنقول (از زوجه، در کدام دادگاه می‌تواند اقامه نماید؟)

(وکالت ۱۳۹۵)

الف) محل وقوع مال غیرمنقول

ب) محل اقامت زوج یا محل سکونت زوجه

ج) محل وقوع مال غیرمنقول یا محل اقامت زوج

د) محل وقوع مال غیرمنقول یا محل سکونت زوجه

### پاسخنامه

۱ ج ۲ ب ۳ د ۴ ب ۵ الف ۶ ب ۷ د

۸ الف ۹ د

۱۰ الف. مطابق ماده ۱۲ دعوای مربوط به اموال غیرمنقول (اعم از مالکیت، مزاحمت، ممانعت از حق و ...) در دادگاهی اقامه می‌شود که مال غیرمنقول در حوزه آن واقع است. این ماده حکمی استثنایی است فلذا نباید آن را تفسیر موسع نمود.

۱۱ الف. ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده به زوجه این اختیار را داده که در دعوی و امور خانوادگی مربوط به زوجیت، دعوا را یا در دادگاه محل اقامت زوج یا محل سکونت خودش طرح کند. اما انتهای ماده استثنایی دارد. توضیح آنکه، اگر خواسته دعوایی مطالبه مهریه غیرمنقول باشد، دعوا از شمول ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده خارج می‌شود و تحت شمول ماده ۱۲ ق.آ.د.م قرار می‌گیرد. لذا دعوای مطالبه مهریه غیرمنقول در محل وقوع مال غیرمنقول طرح می‌گردد.

**ماده ۱۳-** در دعوای بازرگانی و دعوای راجع به اموال منقول که از عقود و قراردادها ناشی شده

باشد، خواهان می‌تواند به دادگاهی رجوع کند که عقد یا قرارداد در حوزه آن واقع شده است

یا تعهد می‌بایست در آنجا انجام شود.



**نکته ۱:** در دعاوی مضمول این ماده، خواهان حق مراجعه به یکی از سه دادگاه محل اقامت خوانده، محل انعقاد عقد یا دادگاه محل انجام تعهد را دارد.

**نکته ۲:** دعوی مطالبه وجوه مربوط به مال غیرمنقول در صورتی که از عقد و قرارداد ناشی شده باشد، از حیث صلاحیت مرجع رسیدگی، در حکم مال منقول می‌باشد. (رای وحدت رویه ۳۱-۱۳۶۳/۹/۵ از د.ع.ک)

**نکته ۳:** دعوی مطالبه مهریه، اگر به همراه دعوی طلاق و توأم با آن مطرح شود، همان دادگاه صالح به رسیدگی به دعوی طلاق نسبت بدان رسیدگی می‌نماید اما چنانچه، زوجه منحصرأً مهریه را مطالبه نماید، این مورد مضمول ماده ۱۳ ق.آ.د.م می‌باشد.

**نکته ۴:** دعوی مطالبه مال الاجاره در حکم دعوی منقول می‌باشد ولو اینکه عین مستأجره غیرمنقول باشد، لذا آن دعوا در صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده و نیز در صلاحیت دادگاه محل وقوع عقد می‌باشد.



#### ۱- دعوی استرداد مال منقول ناشی از قرارداد در صلاحیت:

(ارشد آزار ۱۳۷۵)

الف) دادگاه محل تنظیم قرارداد است.

ب) دادگاه محل اقامت خوانده است.

ج) دادگاه محل نگهداری مال منقول است.

د) گزینه الف و ب صحیح است.

#### ۲- فوآهان با اجتماع چه شرایطی می‌تواند هریک از دادگاه‌های محل وقوع عقد، محل اجرای عقد

#### یا محل اقامت خوانده را برای اقامه دعوا انتفاب نماید؟

(ارشد آزار ۱۳۷۶)

الف) باید که دعوا راجع به مال غیرمنقول بوده و از عقد یا قرارداد ناشی شده باشد.

ب) باید که دعوا راجع به مال منقول و یا غیرمنقول بوده و از عقد یا قرارداد ناشی شده باشد.

ج) باید که دعوا راجع به مال منقول بوده و از عقد یا قرارداد ناشی شده باشد.

د) چنین حق انتخابی در هیچ صورتی، برای خواهان وجود ندارد.

#### ۳- دعوی راجع به اموال منقول که ناشی از قرارداد باشند، در کدام دادگاه اقامه می‌شود؟

(ارشد سراسری ۱۳۷۸ و ۱۳۷۴، ارشد آزار ۱۳۷۸)

الف) فقط در دادگاه محل اجرای قرارداد

ب) فقط در دادگاه محل اقامت خوانده

ج) فقط در دادگاه محل وقوع قرارداد

د) در هر سه صورت ممکن است.

#### ۴- در دعوی ناشی از قراردادها، کدام دادگاه صالح به رسیدگی است؟

(وکالت ۱۳۸۵)

الف) دادگاه محل انجام تعهد

ب) دادگاه محل تنظیم قرارداد

ج) دادگاه محل اقامت خوانده

د) هریک از سه دادگاه یاد شده به اختیار خواهان

#### ۵- در دعوی راجع به اموال منقول که از قرارداد ناشی شده باشد فوآهان، تنها می‌تواند به دادگاهی

**جمع کند که:**

(ارشاد آزار ۱۳۸۶)

الف) قرارداد، در آن واقع شده است.

ب) قرارداد، در آن واقع شده یا تعهد باید در آنجا انجام شود.

ج) تعهد باید در آنجا انجام شود.

د) تعهد باید در آنجا انجام شود یا قرارداد در آن واقع شده یا محل اقامت خوانده است.

**۶- دعوی بازگانی و دعوی راجع به اموال منقول که از عقود و قراردادهای ناشی شده باشد، در**

(وکالت ۱۳۸۷)

**صلامیت کدام یک از مراجع زیر است؟**

الف) دادگاه محل اقامت خوانده و خواهان

ب) دادگاه محل وقوع عقد و محل اجرای تعهد

ج) دادگاه محل اقامت خوانده

د) گزینه‌های ب و ج صحیح است.

**۷- با فرض وقوع عقد ازدواج در شیراز، محل اقامت زوجه بندرعباس و محل اقامت زوج کرمان،****دعوی مطالبه مهریه به مبلغ یکصد میلیون ریال مطروحه از نامیه زوجه علیه زوج، در صلامیت**

(تقاضات ۱۳۹۰)

**مملی کدام دادگاه خانواده است؟**

الف) فقط شیراز محل وقوع عقد ازدواج

ب) فقط کرمان محل اقامت خوانده

ج) شیراز محل وقوع عقد ازدواج و یا کرمان محل اقامت خوانده به انتخاب خواهان

د) کرمان محل اقامت خوانده و یا بندرعباس محل اقامت خواهان هر کدام به انتخاب خواهان

**۸- هر گاه وزارت کشور، بر خلاف قراردادی که با شفص مقیقی منعقد نموده تصمیمی بگیرد و****اجرا کند، این شفص برای اقدام قانونی و امقاق مق، علیه وزارت کشور باید به ..... مراجعه**

(ارشاد سراسری ۱۳۸۸)

**کند.**

الف) دادگاه عمومی

ب) دیوان عالی کشور

ج) دیوان عدالت اداری

د) هیأت رسیدگی به تخلفات اداری

**۹- در دعوی مطالبه مهریه:**

(وکالت ۱۳۹۰)

الف) دادگاه محل وقوع عقد نکاح صالح است.

ب) دادگاه محل اقامت زوج صالح است.

ج) دادگاه محل اقامت زوجه صالح است.

د) گزینه یک و دو صحیح است.

**۱۰- پنانچه فواسته دعوا مطالبه یکصد تن گندم باشد که یکصد میلیون ریال تقویم شده باشد و****به موجب قراردادی که در کرمانشاه منعقد شده باشد باید در تهران تمویل شود، فواهان می‌تواند**

(وکالت ۱۳۹۱)

**دعوا را تنها در دادگاه عمومی ..... اقامه نماید.**

الف) کرمانشاه یا تهران

ب) تهران یا محل اقامت خوانده

ج) کرمانشاه، تهران یا محل اقامت خوانده

د) کرمانشاه یا محل اقامت خوانده

**۱۱- در دعوی مطالبه مهریه، زوجه ..... دعوی خود را در ..... اقامه نماید.**

(وکالت ۱۳۹۲)

الف) می‌تواند - دادگاه محل اقامت خود

ب) باید- دادگاه محل اقامت خوانده

ج) باید- دادگاه محل وقوع عقد نکاح

د) می‌تواند- دادگاه محل اقامت خوانده و یا محل وقوع عقد نکاح

**۱۱۲-** چکی به مبلغ یکصد میلیون ریال توسط شخصی که مقیم شیراز است، در تهران، عهده بانکی در تبریز و در وجه شخصی صادر می‌شود. در صورت صدور گواهی عدم پرداخت، دارنده چک برای دریافت وجه آن، به کدام دادگاه می‌تواند مراجعه نماید؟

الف) دادگاه عمومی حقوقی شیراز، تهران یا تبریز

ب) فقط دادگاه عمومی حقوقی شیراز

ج) دادگاه تبریز

د) دادگاه تهران یا تبریز

**۱۱۳-** چکی از مساب مشترک سه نفر به مبلغ یک میلیارد ریال در شهر شیراز عهده بانک صادرات شعبه شیراز صادر می‌شود و با مراجعه دارنده چک به بانک معالعلیه، بانک مزبور به علت فقدان موهودی، گواهی عدم پرداخت صادر می‌کند. پنانچه یکی از صادرکنندگان چک مقیم شیراز و دیگری مقیم اصفهان و سومی مقیم تهران باشد، فواهان برای اقامه دعوی و مطالبه وجه چک به کدام یک از دادگاه‌های نقاط مزبور باید مراجعه کند؟

الف) فقط می‌تواند به دادگاه‌های شیراز یا تهران مراجعه کند.

ب) فقط می‌تواند به دادگاه شیراز مراجعه کند.

ج) می‌تواند به هر یک از دادگاه‌های شیراز، اصفهان و یا تهران مراجعه کند.

د) فقط می‌تواند به دادگاه‌های شیراز یا اصفهان مراجعه کند.

**۱۱۴-** در دعوی مطالبه وجه یک فقره چک به مبلغ دویست و پنجاه ریال، به عنوان ثمن فروش یک دستگاه خودرو، کدام مورد صمیم است؟

(وکالت ۱۳۹۶ کرمانشاه)

الف) دعوا فقط در محل صدور گواهی عدم تأدیه چک، قابل طرح است.

ب) دعوا فقط در دادگاه محل اقامت خوانده، قابل طرح است.

ج) دعوا باید در دادگاه محل تنظیم قرارداد طرح شود.

د) دعوا در دادگاه محل صدور چک، قابل طرح است.

#### پاسخنامه

۱ د ۲ ج ۳ د ۴ د ۵ د ۶ د ۷ د  
۸ الف ۹ د ۱۰ ج

**۱۱** د. ماده ۱۳ ق.آ.م. یک اصل کلی است که به موجب آن در دعوی بازرگانی و دعوی راجع به اموال منقول که از عقود و قراردادهای ناشی شده باشد، خواهان می‌تواند به دادگاهی رجوع کند که عقد یا قرارداد در حوزه آن واقع شده است یا تعهد می‌بایست در آنجا انجام شود. ممکن است تصور شود که گزینه الف صحیح باشد در حالی که مطابق ماده ۱۲ ق حمایت خانواده جدید در دعوی و امور خانوادگی مربوط به زوجین، زوجه می‌تواند در دادگاه محل اقامت خوانده یا محل سکونت خود اقامه دعوی کند مگر در موردی که خواسته، مطالبه مهریه غیر منقول باشد، ماده به محل سکونت زوجه تصریح دارد نه محل اقامت.

**۱۲ الف**

**۱۳ ج.** به استناد مواد ۱۳ و ۱۶ ق.آ.د.م و رأی وحدت وریه شماره ۶۸۸ مورخ ۱۳۸۵/۳/۲۳. توجه آن که دو ماده ۱۳ و ۱۶ هر دو استثناء اختیاری هستند و با هم قابل جمع هستند و خواهان به اختیار خود از هر کدام می‌تواند استفاده کند.

**۱۴ د.** مطالبه وجه چک منقول بوده و به‌علاوه ناشی از قرارداد نیز محسوب می‌شود و لذا مشمول ماده ۳ ق.آ.د.م می‌باشد. گزینه‌های الف و ب به واسطه استفاده از قید «فقط» و گزینه ج به واسطه استفاده از قید «باید» اشتباه هستند. درواقع محل صدور چک و محل انعقاد قرارداد علی‌الاصول یکسان است و خواهان به اختیار خود می‌تواند در هر یک از سه دادگاه محل انعقاد عقد از (محل صدور چک)، محل اقامت خواننده یا محل انجام تعهد (محل صدور گواهی عدم پرداخت) اقامه دعوا کند.

**ماده ۱۴- درخواست تأمین دلایل و امارات از دادگاهی می‌شود که دلایل و امارات مورد درخواست در حوزه آن واقع است.**

**نکته ۱:** در مورد تأمین دلیل تفاوتی نمی‌کند که دلایل و امارات مورد درخواست تأمین، مستلزم بررسی اموال غیرمنقول باشد یا منقول.

**نکته ۲:** در صورتی که موضوع تأمین در حوزه دادگاه‌های متعددی باشد در چنین حالتی نمی‌توان با استفاده از ملاک ماده ۱۶ ق.آ.د.م درخواست‌کننده را مخیر نمود که به هریک از دادگاه‌های یاد شده برای تأمین تمامی دلایل و امارات مراجعه کند بلکه باید برای تأمین هر دلیلی به دادگاه محل وقوع آن مراجعه کند.

**نکته ۳:** چنانچه مورد درخواست تأمین، گواهی گواهان باشد، ماده ۱۴ لازم‌الاتباع است.

**نکته ۴:** به موجب بند «ج» ماده ۹ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۹۴، تأمین دلیل در صلاحیت شورای حل اختلاف است؛ حتی اگر در آن حوزه دادگاه تشکیل نشده باشد.

(ارشدر سراسری ۱۳۷۹)

**۱- درخواست تأمین دلیل و امارات در صلاحیت:**

الف) دادگاهی است که درخواست‌کننده انتخاب می‌کند.

ب) دادگاه محل اقامت درخواست‌کننده است.

ج) دادگاه محل اقامت طرف مقابل است.

د) دادگاه محلی است که دلایل و امارات در حوزه آن قرار دارد.

**پاسخنامه**

**۱ د**

**ماده ۱۵-** در صورتی که موضوع دعوا مربوط به مال منقول و غیرمنقول باشد، در دادگاهی اقامه دعوا می‌شود که مال غیرمنقول در حوزه آن واقع است. به شرط آنکه دعوا در هر دو قسمت، ناشی از یک منشأ باشد.

**نکته:** در اینکه آیا خواهان می‌تواند به غیر از دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول در دادگاه محل اقامت خوانده، طرح دعوی نماید اختلاف است؛ برخی معتقدند این صلاحیت، نافی صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده نیست اما برخی دیگر، معتقدند خواهان فقط مجاز به طرح دعوا در دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول خواهد بود نه دادگاه دیگر. (نظر دوم با هدف مقنن سازگار است)

**۱-** در صورتی که موضوع دعوا مربوط به مال منقول و غیرمنقول و در هر دو قسمت ناشی از یک منشأ باشد در چه دادگاهی باید اقامه شود؟

(ارشد سراسری ۱۳۸۰، قضاوت ۱۳۷۹)

الف) دادگاه محل اقامت خوانده

ب) دادگاه محل اقامت خواهان

ج) در یکی از دو دادگاه محل اقامت خوانده یا محل وقوع مال غیرمنقول به انتخاب خواهان

د) در دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول

**۲-** چنانچه فواسته یک دعوا مال منقول و غیرمنقول بوده و هر دو ناشی از یک منشأ باشد، کدام دادگاه عمومی صلاحیت رسیدگی به دعوا را دارد؟

(مشاوران حقوقی ۱۳۸۳)

الف) دادگاه محل اقامت خواهان

ب) دادگاه محل اقامت خوانده

ج) دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول

د) ب یا ج به انتخاب خواهان

**۳-** دعوا توأم راجع به اموال منقول و غیرمنقول در کدام دادگاه قابل طرح است؟

(وکالت ۱۳۸۳)

الف) دادگاه محل مال منقول

ب) دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول

ج) دادگاه محل اقامت خوانده

د) دادگاه محل مال منقول یا غیرمنقول به اختیار خواهان

**۴-** اگر به موجب قراردادی که در اصفهان منعقد شده، شفصی یک باب آپارتمان واقع در تهران و یک دستگاه فودرو خریداری نماید و فروشنده مقیم کرج باشد، دعوای تمویل و تسلیم آپارتمان و فودرو که به موجب یک دادخواست مطرح شده در صلاحیت چه دادگاهی است؟

(وکالت ۱۳۸۹)

الف) دادگاه عمومی اصفهان که محل وقوع عقد است.

ب) دادگاه عمومی تهران که محل وقوع آپارتمان است.

ج) دادگاه عمومی کرج که محل اقامت فروشنده (خوانده) است.

د) هر یک از دادگاه‌های عمومی تهران و اصفهان و کرج صالح به رسیدگی هستند.

پاسخنامه

۱ د ۲ ج ۳ ب ۴ ب

**ماده ۱۶-** هرگاه یک ادعا راجع به خواندگان متعدد باشد که در حوزه‌های قضایی مختلف اقامت دارند یا راجع به اموال غیرمنقول متعددی باشد که در حوزه‌های قضایی مختلف واقع شده‌اند، خواهان می‌تواند به هر یک از دادگاه‌های حوزه‌های یاد شده مراجعه نماید.

**نکته:** این حکم به آن دسته از دعوایی مربوط است که مشمول قاعده عمومی صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده یا محل وقوع مال غیرمنقول می‌شوند.



**۱-** دعوی مالکیت نسبت به اموال غیرمنقول واقع در حوزه‌های متعدد که علیه فواندگان متعدد باشد در صلاحیت:

(ارشد آزر، ۱۳۷۹)

- الف) دادگاه محل اقامت هریک از خواندگان است.
- ب) دادگاه محل وقوع هریک از اموال غیرمنقول است.
- ج) طرح دعوا واحد در این خصوص قانونی نمی‌باشد.
- د) انتخاب دادگاه در هر حال با خواهان است.

**۲-** چنانچه یک ادعا راجع به فواندگان متعدد باشد که در حوزه‌های قضایی مختلف اقامتگاه دارند:

(مشاوران حقوقی، ۱۳۸۲)

- الف) به انتخاب خواهان دعوا در هر حوزه قضایی قابل طرح است.
- ب) خواهان باید نسبت به سهم هریک از خواندگان دعوا را در محل اقامت آنان مطرح نماید.
- ج) خواهان مجاز است محل اقامت یکی از خواندگان را انتخاب و دعوا را به طور یکجا مطرح نماید.
- د) خواهان می‌تواند دعوا را در محل اقامت خود مطرح نماید.

پاسخنامه

۱ ب ۲ ج

**ماده ۱۷-** هر دعوایی که در اثنای رسیدگی به دعوی دیگر از طرف خواهان یا خواننده یا شخص ثالث یا از طرف متداعیین اصلی بر ثالث اقامه شود، دعوی طاری نامیده می‌شود. این دعوا اگر با دعوی اصلی مرتبط یا دارای یک منشأ باشد، در دادگاهی اقامه می‌شود که دعوی اصلی در آنجا اقامه شده است.

**نکته ۱:** دعوی طاری را در صورتی که خواهان اصلی علیه خواننده اقامه کند ← دعوی اضافی و چنانچه خواننده علیه خواهان اقامه کند دعوی متقابل می‌نامند؛ هرگاه شخص ثالث علیه طرف‌های دعوا اقامه کند دعوی ورود ثالث؛ و اگر طرف‌های دعوا یا یکی از آنها علیه شخص ثالثی اقامه

کنند دعوی جلب ثالث نامیده می‌شود.

**نکته ۲:** رسیدگی به دعوی طاری در صلاحیت دادگاهی است که، به اصل دعوا رسیدگی می‌کند مگر اینکه دعوی طاری از صلاحیت ذاتی دادگاه بیرون باشد.

**نکته ۳:** دعوی طاری در هر حال باید در دادگاهی که به دعوی اصلی رسیدگی می‌کند اقامه شود، حتی اگر از صلاحیت ذاتی دادگاه خارج باشد زیرا، دادگاه رسیدگی کننده به دعوی اصلی می‌بایست از طرح دعوی طاری آگاه باشد، در صورت اخیر دادگاه با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را حسب مورد به دادگاه صالح یا مرجع تعیین صلاحیت (دیوان عالی کشور) ارسال می‌نماید و چنانچه رسیدگی به دعوی اصلی منوط به روشن شدن نتیجه دعوی طاری باشد، رسیدگی را تا حصول این امر متوقف می‌نماید. (با صدور قرار اناطه)

**نکته ۴:** شرایط رسیدگی به دعوی طاری در دادگاه رسیدگی کننده به دعوی اصلی: الف) این دعوا با دعوی اصلی مرتبط بوده یا وحدت منشأ داشته باشد. ب) دادگاه صلاحیت ذاتی برای رسیدگی به دعوی اصلی را داشته باشد.

**نکته ۵:** چنانچه دعوی طاری با دعوی اصلی مرتبط نبوده یا وحدت منشأ نداشته باشد، اما از صلاحیت دادگاه خارج نباشد، دادگاه به صورت مستقل رسیدگی می‌کند اما در صورتی که از صلاحیت ذاتی یا محلی خارج باشد با صدور قرار عدم صلاحیت به مرجع صالح ارجاع می‌شود.

**نکته ۶:** در مواردی که دعوی طاری یا مرتبط با دعوی اصلی از صلاحیت ذاتی شورای حل اختلاف خارج باشد، رسیدگی به هر دو دعوا، در مرجع قضایی صالح به عمل می‌آید.



#### ۱- دعوی اضافی در کدام دادگاه اقامه می‌شود؟

(ارشد سراسری ۱۳۷۴)

- الف) در دادگاه محل اجرای قرارداد      ب) در دادگاهی که دعوی اصلی در آن مطرح است.  
ج) در دادگاه محل اقامت خوانده      د) در دادگاه محل اقامت خواهان

#### ۲- در چه مواردی دادگاه به دعوی مفتلف که منشأ و مبنای آن‌ها یکی نیست، رسیدگی می‌کند؟

(ارشد سراسری ۱۳۷۴)

- الف) خواهان و خوانده آن‌ها یکی باشد.  
ب) دعوا جنبه مدنی و کیفری داشته باشد.  
ج) طرفین متفقاً این تقاضا را از دادگاه بکنند.  
د) میان آن‌ها ارتباط کامل وجود داشته باشد.

#### ۳- کدام دسته از دعوی زیر دعوی طاری است؟

(ارشد سراسری ۱۳۷۵)

- الف) ورود ثالث، جلب ثالث، دعوا متقابل  
ب) جلب ثالث، دعوا تهاتر، دعوا متقابل  
ج) دعوا تهاتر، جلب ثالث، فسخ معامله  
د) ورود ثالث، اعتراض شخص ثالث، اعاده دادرسی

#### ۴- دعوی طاری می‌باید؟

(ارشد آزار ۱۳۷۶)

- الف) در دادگاهی که صلاحیت ذاتی دارد مطرح شود و توسط همین مرجع رسیدگی شود.  
 ب) در دادگاهی که صلاحیت محلی دارد و توسط همین مرجع رسیدگی شود.  
 ج) با توجه به مقررات مؤخرالتصویب، چنین سؤالی مطرح نمی‌شود.  
 د) در دادگاهی که دعوی اصلی مطرح است اقامه و توسط همین مرجع چنانچه از صلاحیت ذاتی آن خارج نباشد، رسیدگی شود.

#### ۵- دعوی طاری در صورتی در صلاحیت دادگاهی است که به دعوی اصلی رسیدگی می‌کند که:

(ارش سراسری ۱۳۷۶)

- الف) با دعوی اصلی ناشی از یک منشأ باشد و یا با آن ارتباط کامل داشته باشد.  
 ب) از نظر صلاحیت محلی در صلاحیت دادگاهی باشد که به دعوی اصلی رسیدگی می‌کند.  
 ج) در جلسه اول دادرسی اقامه شود.  
 د) طرفین دعوا با آن موافق باشند.

(ارش سراسری ۱۳۷۷)

#### ۶- اگر دعوی طاری از صلاحیت ذاتی دادگاه خارج باشد:

- الف) هریک از دو دعوا به موازات یکدیگر در مرجع صالح مربوطه، رسیدگی می‌شود.  
 ب) هر دو پرونده توأم می‌شود و جهت تعیین تکلیف به دیوان عالی کشور ارسال می‌گردد.  
 ج) رسیدگی به دعوی اصلی متوقف می‌ماند تا به دعوی طاری در مرجع صالح رسیدگی شود.  
 د) دادگاه ابتدا به دعوی اصلی رسیدگی می‌کند و سپس در مورد دعوی طاری تصمیم می‌گیرد.

(مشاوران حقوقی ۱۳۸۳)

#### ۷- کدام یک از دعوی زیر دعوا طاری نیست؟

- الف) دعوا ورود ثالث    ب) دعوا جلب ثالث    ج) دعوا اعتراض ثالث    د) دعوا متقابل

(وکالت ۱۳۸۵)

#### ۸- کدام یک از دعوی زیر از جمله دعوی طاری نیست؟

- الف) اعتراض ثالث    ب) جلب ثالث    ج) دعوا متقابل    د) ورود ثالث

(وکالت ۱۳۸۶)

#### ۹- کدام یک از موارد زیر از دعوی طاری مسموب نمی‌شود؟

- الف) ورود ثالث    ب) جلب ثالث    ج) اعتراض شخص ثالث    د) دعوی متقابل

- ۱۰- فوآهان به فواسته ۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال به نفعه علیه فوانده در شورای مل افتلاف اقامه دعوی می‌کند. فوانده متقابلاً دعوی به فواسته الزام به تمکین در همان مرجع مطرح می‌نماید. در فصوص رسیدگی شورا، کدام مورد صمیع است؟  
 (وکالت ۱۳۹۶)

- الف) شورای حل اختلاف مبادرت به صدور قرار اناطه تا تعیین تکلیف دعوی تمکین می‌کند.  
 ب) شورای حل اختلاف به دعوی نفعه رسیدگی می‌کند و دعوی تمکین را به مرجع صالح می‌فرستد.  
 ج) شورای حل اختلاف باید هر دو دعوی را به مرجع صالح بفرستد.  
 د) شورای حل اختلاف با توجه به ارتباط کامل، به هر دو دعوی رسیدگی می‌کند.

#### پاسخنامه

- ۱ ب    ۲ د    ۳ الف    ۴ د    ۵ الف    ۶ ج    ۷ ج  
 ۸ الف    ۹ ج    ۱۰ ج. به استناد ماده ۲۱ قانون شوراهای اختلاف